



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۲۹

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

یکشنبه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۰۹ - هفدهم محرم ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه  
داخله: ۱۰ تومان  
خارجی: ۱۲ تومان  
تک شماره: یکقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و پنجم خرداد ماه ۱۳۰۹ ( هفدهم محرم ۱۳۴۹ )

## فهرست مذاکرات

- ۱ ( تصویب صورت مجلس )
- ۲ ( تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف )
- ۳ ( مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۲ )
- ۴ ( تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه )
- ۵ ( مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۶ )
- ۶ ( موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه )

مجلس بیست ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس سه شنبه ۱۳ خرداد ماه در آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

- رئیس - آقای فیروز آبادی
- فیروز آبادی - قبل از دستور
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ ( نمایندگان - خیر )
- صورت مجلس تصویب شد.
- [ ۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف ]
- وزیر پست و تلگراف - ( آقای میرزا قاسم خان )
- صورت - دو فقره لایحه است یکی راجع به مقدار هوا
- پیمائی خط مشهد و یکی راجع به قرار داد شرکت تلفن
- تران که تقدیم میشود .
- [ ۳ - مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۲ ]
- رئیس - لایحه بودجه مملکتی متمم بودجه مملکت
- ماده دوم مطرح است قرائت میشود :

\* عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و نهمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اعضای غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : حیدری - طهرانی  
 فرخی - کاشانی - فتوحی - لرستانی - صادقی - قوام - اورنگ - تیمور تاش  
 غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - بوشهری - دکتر امیر اعلم - اعظم زنکنه - آقا زاده سبزواری  
 هراز - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک  
 دیرآمدگان با اجازه - آقایان : شریعت زاده - اسدی - ذوالقدر  
 دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : عبدالحسین خان دینا - عباس میرزا

ماده دوم - کلیه ادارات و مأمورین مکلف هستند که آنچه از وجوه و اموال دولتی دریافت مینمایند تحویل خزانه داری کل کنند و هیچ عنوان مجز نخواهند بود مستقیماً و بدون اجازه خزانه داری کل برداشتی نمایند

تبصره - قسمت (ج) از فقره ۱۶ ماده واحده قانون مصوب ۳۰ آبانماه ۱۳۰۸ بقوت خود باقی است.

رئیس - آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا خواستم آقای مخبر توضیح بدهند در این ماده نوشته است که کلید ادارات که از وجوه عمومی و از عوائد عمومی جمع آوری میکنند مثلاً وزارت پست و تلگراف یا وزارت فواید عامه یا عدلیه یا وزارتخانه‌های دیگر که عوائدی دارند باید آن عوائد را بخزانه داری بدهند در صورتیکه آنچه به بحال معمول بوده است از وزارت مالیه رؤسای محاسباتی در آن وزارتخانه‌ها هست و آن رئیس محاسبات مالیه در آن جا نظر است خواستم بدانم اینکه این جا نوشته است بطور مطلق که کلیه ادارات و مأمورین مکلف هستند که آنچه از وجوه و اموال دولتی دریافت مینمایند تحویل خزانه داری کل کنند همان رئیس محاسباتی که در آن وزارتخانه از طرف وزارت مالیه نشسته است همان کفایت میکند دیگر لازم نیست که ادارات یا وزارتخانه‌ها مکلف باشند که ببرند بخزانه داری کل بدهند مگر این که مرادشان از این عبارت این باشد که تحویل رئیس محاسبات بکنند همان رئیس محاسباتی که از طرف وزارت مالیه در آن جا کنترل و تقطیس است همان کفایت میکند اگر نظر و مراد این باشد که این عبارت وافی نیست و شاید در مقام عمل دچار اشکال شود این را که میخواهم عرض کنم نه مخالفت نسبت بقانون است نظرم در مقام عمل

است که وزارتخانه‌ها یا خزانه داری در مقام عمل گرفتار نشوند چون در عمل دیده‌ایم که وزارتخانه‌ها بواسطه يك لايجد و يك چیزی گرفتار میشوند و نماینده مالیه و وزارت مالیه هزار جور اشکال تراشی نسبت بقوانین میکنند این است که خواستم این را از طرف دولت توضیح بدهند برای شرح این مسئله که آن نماینده مالیه و رئیس محاسبات که در آنجا هست و ناظر است کفایت میکند و لازم نیست که مستقیماً وزارت پست و تلگراف این عوائد را ببرد بخزانه داری کل همان رئیس محاسبات کل و نماینده مالیه که در آن جا است کفایت میکند

رئیس - آقای وثوق (حاضر نبودند) آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده عرضی نداشتم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم مخالف هستم

رئیس - آقای ظاهری

دکتر ظاهری - منظور از این ماده دوم تمرکز

عایدات است که یکی از مهمترین اقدامات اساسی است که وجوهی را که مأمورین دولت جمع آوری میکنند خودشان نمیتوانند دیگر بمصرف خرج برسانند تمام اینها باید بخزانه داری کل برود منظور از این ماده این است و آنکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند آن متصدیان جزء که پول دستشان است مجلس که قانون میگذرانند طرفش وزارتخانه است در کمیسیون بودجه که خود حضرتعالی هم عضویت داشتید و عین همین ماده در قوانین متمم بودجه مکرر بتصویب رسیده است چون مجلس دستور پرداخت و جمع آوری را باید بدهد بوزارتخانه‌ها و طرفش کلیه وزارتخانه‌ها است و اگر يك نظامات داخلی در هر وزارتخانه معمول و مجری است آن يك چیزی نیست که منافات با این داشته باشد مجلس وزارتخانه‌ها را مسئول قرار داده است و بعلاوه اینجا مأمورین را هم اسم برده است مأمورین عبارت از آن اشخاصی هستند

به متصدی پول هستند چون ممکن است نسبت بقسمت تصویب هم يك مذاکراتی بشود که این قسمت مستثنی شده است بنده این را قبلاً عرض می‌کنم که آن این است که در ماده واحده که چندی پیش گذشت برای اختلاس اموال دیوان فقط در قسمت ششزده اجازه داده شد در قسمت هائی که فوریت داشته باشد چنانچه در بودجه تصویب نشده باشد تا صد تومان میتواند برداشت کنند و فوری اطلاع بدهند در ظرف ده روز و اگر محسوس تصویب شده باشد و اجازه اعتبارش فرسیده باشد در آن قسمت غیر محدود است ولی باید در ظرف ده روز اطلاع بدهند در آن جا این عمل را اجازه داده است چون این قانون مصادره میشود به آن قانون در این تبصره ذکر شد که در جزء ششزده از ماده واحده قسمت (ج) مشمول است و بقوت خودش باقی است و در این جا چون نوشته است که تسویه مأمورین باسقی ابواب جمعی خودشان را بخزانه داری بدهند در این قسمت اشتباه کرده که تصد تومان در بعضی قسمت ها اگر فوری باشد میتوانند يك برداشتی بکنند و يك خرجی بکنند و مسئول نیستند این است که این ماده دوم یکی از بهترین مواد قانون متمم بودجه است که اصل تمرکز عایدات را که منظور نظر همه است تأمین میکند (صحیح است)

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - همین طوری که فرمودند ماده دوم یکی از مواد خیلی خوب این قانون است و بنده هم کاملاً موافق هستم و در قوانین بودجه سابق هم همیشه بوده است و باید هم باشد فقط در این جا نظر بنده راجع به این تبصره است که ذکر شده است این تبصره که مینویسد قسمت (ج) از فقره ۱۶ ماده واحده قانون مصوب ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۸ بقوت خودش باقی است در قسمت ۱۶ ماده واحده سه قسمت است حالا بنده آن قانون را میخوانم و تصور میکنم اگر چنانچه ما بایستی آن را

مراعات کنیم تهاه قسمت ها باید نوشته شود و اگر چنانچه قسمت (ج) را فقط بنویسیم نتیجه این میشود که قسمت (ج) بقوت خودش باقی است و آن دو قسمت دیگر ملغی است و باید این قسمت (ج) را هم برداریم (آقا سید یعقوب - صحیح است) بین جهت بنده عقیده ام این است که این را باید اصلاح کرد و حالا بنده آن قسمت را میخوانم قانون متمم قانون دیوان جزئی عمل دیوان است که سی و آبان ۱۳۰۸ تصویب شده است:

۱۶ - عود ذیل تصرف غیر قانونی بان معنی که در قوانین جزائی منظور است محسوب نخواهد شد

۱ - صرف کردن از عوائد عمومی بهجی که اساساً خرج در آن محل جزء اعتبارات عمومی تصویب شده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور جزه باعث فوت وقت میشود.

ب - صرف کردن از وجوه خصوصی بهجی که اساساً خرج در آن محل جزء اعتبارات خصوصی تصویب شده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور جزه باعث فوت وقت میشود

ج - بعمل آوردن مصارف اعتبار آنها تصویب نشده ولی مصاحبت اداری آن مصارف را ایجاد میکرده است مشروط بر اینکه جمع مصارفی که بکنند بین ترتیب بعمل آورده از صد تومان تجاوز نکند

کسانی که بعد از تاریخ اجرای این قانون بپای از شقوق سدگانه فوق مصارفی بعمل آورند در صورتیکه در ظرف ده روز از تاریخ بعمل آوردن آن مصارف با اداره مربوطه کتباً اطلاع بدهند عمل آنها تصرف غیر قانونی جزائی محسوب شده و بمجازات محتلس خواهند رسید. این جا يك اصل البته این است که مأمورین ما حق ندارند بهیچوجه از وجوهی که ابواب جمعی آنها است تصرفاتی بکنند و مکلفند که تهاه آن وجوه را بفرستند بمرکز و مخارج و مصارفی که دارند مطابق بودجه هائی که برای آنها میفرستند و اجازه پرداخت میدهند مطابق آن اجازه برداشت کنند و بمصرف برسانند بعد البته

دوات توجیدیدا برد که در بعضی مواقع دچار يك مشكلاتی میشود و مصارفی ممکن است پیش بیاید که فوری و آتی باشد و اگر مأمورین بعد از گذشتن قانون دیوان جزا آن مصارف را بکنند و خرجی بکنند دچار مشکلات میشود و مختلس محسوب خواهند شد و بيك مشکلاتی برمیخورند این ماده ۱۶ را گذاشت و این ماده ۱۶ سه قسمت دارد يك قسمت این است که اعتبارات مصوبه که هنوز اجزای پرداخت آن نرسیده است اگر چنانچه يك موقع يك احتیاج فوری پیش آمد از آن اعتبارات مصوب آن احتیاج را رفع بکنند ولی مكلف است در ظرف ده روز بمرکز اطلاع بدهد یکی هم اعتبارات خصوصی است که آنرا هم به مأمور اجازه میدهند که اگر يك مواقع فوتی و فوری پیش آمد آنرا میگویند باز میتواند خرج بکند و در ظرف ده روز بمرکز اطلاع بدهد یکی دیگر قسمت (ج) است که میگوید هیچکدام از اینها نباشد و از اعتبارات مصوب نباشد باز میتواند خرج بکنند ولی تا صد تومان و بعد در ظرف ده روز باید اجازه بگیرند بنده خیال میکنم که ما بایستی این قانون را حفظ بکنیم البته منظور دوات هم این بوده است که این قانون حفظ شود آنوقت قسمت (ج) را که نوشتیم از ماده ۱۶ نتیجه این میشود که آن دو قسمت دیگر را ملغی کنیم فقط قسمت (ج) را بگیریم و اگر این طور نیست باید صریح نوشته شود که هم تکلیف دولت معلوم باشد و هم تکلیف مأمور در این قسمت معلوم شود یا باید نوشته شود فقره ۱۶ قانون مصوب فلان باعتبار خودش باقی است یا قسمت (ج) را اگر بنویسیم آن دو قسمت دیگر را باید بنویسیم ملغی راست این بود نظر بنده.

رئیس - آقای ملک موافقت؟

ملک مدنی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای کازرونی موافقت؟

کازرونی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ظاهری

دکتر ظاهری - این موضوع را که آقای اعتبار مذاکره

فرمودند در کمیسیون بودجه موقعی که مطرح بود کاملاً مذاکره شد که اصلاً فقره (ج) را از این قسمت مستثنی کنند و بقوت خودش باقی باشد ولیکن نماینده مالیه که آن جا بود آن دو قسمت را مشمول نمیدانست و قسمت (الف) و (ب) را میگفت چون در بودجه تصویب شده است و اعتبارش علیحده است مشمول این قسمت نیست فقط اشکالی که وارد بود این قسمت بود که اصلاً در بودجه اعتباری تصویب نشده باشد و مأمور مجبور شد آن خرج را بکند و يك مبلغی را برداشت کند و این جا قید شده است که تا صد تومان میتواند برداشت کند و بعد در ظرف ده روز اطلاع بدهد جهتش را و جزء مختلسین محسوب نباشد چون این مسئله در آن جا مطرح شد و ما گفتیم کلیه ادارات دولتی مکلف هستند که آنچه از وجوه و اموال دولتی تحصیل میکنند تحویل خزانه داری بکنند و آن قسمت (ج) را گفتیم بقوت خودش باقی است یعنی اگر چنانچه در بودجه يك خرجی پیش بینی نشده است و دفعاً يك اتفاقی افتاده که مأمور مجبور شد که يك دفعه پنجاه تومان خرج بکند این را میتواند بردارد و خرج بکند و در ظرف ده روز هم اطلاع بدهد و مسؤول هم نیست و بنده عقیده ام این است همانطوری که کمیسیون تصویب کرده است بهتر است (صحیح است) رئیس - آقای ملک.

ملک مدنی - عرضی ندارم.

رئیس - موافقت با ماده دوم قیام فرمایند.

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:

ماده سوم - نظر به این که اعتبارات بودجه بر طبق ماده واحده و صورتهای تفصیلی از یکدیگر تفکیک شده کلیه وزارتخانهها و ادارات دولتی مکلف خواهند بود اولاً مالیاتها و عوارض مربوطه بخود را پرداخت نمایند ثانیاً چنانچه يك وزارتخانه از حیث تهیه اشیاء ملزومات یا انجام خدمات مخصوصه از وزارتخانه دیگر مبلغی طلبکار شد وزارتخانه مدیون مکلف است دین خود را پذیرفته و آنرا از محل اعتبارات بودجه مصوب خود بپردازد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - این شبهاتی که میشود همین طور که بنده يك شبهه داشتم و رفع شد در این جا هم این عرض را میخواهم بکنم این برای معنوی شدن موضوع است در سابق مطابق تشکیلاتی که وزارت مالیه داشت يك اداره ملزومات کل بود که آن اداره ملزومات کل تمام ملزومات وزارتخانه ها را تهیه میکرد این جا نوشته شده است چنانچه یکی از وزارتخانهها از حیث اشیاء ملزومات بنده اطلاع ندارد اگر آن ملزومات کل هم خورد اگر هم خورد بنده اطلاع ندارم این است که عرض میکنم اگر آن ملزومات کل هست دیگر يك وزارتخانه نمیتواند دارای ملزومات خاصی باشد و تهیه ملزومات خاصی بکنند بجز رجوع کنند به ملزومات کل که هر چه بخواهد ملزومات کل بهش میدهد و خودش مستقیماً و مستقلاً تهیه ملزومات بکنند معنی ندارد این یک موضوعی است که آقای وزیر عدلیه که تشریف آوردند جواب خواهند داد و هم آقای مخبر و یکی دیگر که اینهم باز برای موقع عمل است مثلاً وزارت داخله ناچار شد يك جایی در سرحدات رجوع کرد به مستخدم وزارت پست و تلگراف که آن کسی که رئیس پست و تلگراف است کفالت حکومت را هم بکند کفیل حکومت که شد لابد این وزارتخانه بده کار میشود نسبت به وزارتخانه دیگر و باید این حقوق

را از اعتبارات خودش بدهد ولی اگر جوری شد که این اعتبار را نداشته باشد ( عبارت را توجه فرمائید ) یا انجام خدمات مخصوصه وزارتخانه دیگر طلبکار شد وزارتخانه مدیون مکلف است دین خود را پذیرفته و آنرا از محل اعتبارات بودجه مصوب خود بپردازد در يك سرحدی وزارت داخله یا وزارت عدلیه میگوید که فوراً ناچار شد که يك صلاحیه را در آنجا تشکیل بدهد و نتوانست تشکیل بدهد یعنی بودجه نداشت و آن نایب الحکومه را با يك ترتیبی مسؤول کرد برای صلاحیه حالا از آن مستخدم وزارتخانه دیگر این خدمت را خواسته است حالا که خدمت خواسته است لابد به او مدیون میشود اگر در بودجه خودش این اعتبار را نداشته باشد مثلاً وزارت داخله در وقتی که میخواسته است بودجه اش را بگذراند این اعتبار را پیش بینی نکرد و الان این احتیاج پیدا شد خوب کار مملکت است خوب در عرض سال همچو چیزی شد در صورتیکه در اصل بودجه هم چنین اعتباری پیش بینی نشده است خوب است در این قسمت توضیحی داده شود که رفع گرفتاری از وزراء در موقع عمل بشود در صورتیکه اعتبار مخصوصی نداشته باشد در اینجا چه خواهند کرد این جا دین دولت میشود از سنه مالی که گذشت در سنه دیگر جزء بودجه آتی میشود چه میشود؛ ترتیبش را فرمائید که در عمل چه قسم عمل میشود

وزیر عدلیه ( آقای داور ) - نماینده محترم وقتی

که تشریف آوردند این جا بنده چون سلیقه شان را میدانم تصور کردم میخواهند در قسمت اول ماده اعتراض کنند که دلیل ماده را ذکر کرده است که: نظر باینکه اعتبارات بودجه بر طبق ماده واحده و صورتهای تفصیلی از یکدیگر تفکیک شده بنده چون میدانم سلیقه ایشان است که دلیل قانون را در جزء ماده قانون ذکر نمیکنند چون این را میدانستم خیال کردم میخواهند به این قسمت اعتراض کنند که بنده بیایم این جا و موافقت کنم

و بگویم بلکه اگر پیشنهادی دارید بدهید بنده هم قبول میکنم...

دکتر طاهری - این قسمت برداشته شده و در مطبوعه سهوشده است

وزیر عدلیه - پس بنا بر این پیشنهاد خواهد شد که در این جا اصلاح شود. اما راجع به قسمتی که فرمودید و سؤال کردید بنده وارد میشوم یکی راجع به ملزومات فرمودید ملزومات کل آلمان در کار نیست و بنا بر این ممکن است که یک وزارتخانه بعضی از چیزهای ملزوماتی خودش را از یک وزارتخانه دیگر بگیرد و بالطبع مدیون میشود و البته باید بدهد. راجع به حقوق که فرمودید این جا طبیعتاً اگر یک وزارتخانه آمد و مأموریت داده به مأمور یک وزارتخانه دیگر در صورتیکه از برای آن کار اعتبار نداشت و نتواند حقوق بدهد اگر فرض بفرمائید وزارت داخله از برای یک نقطه پیش بینی کرده است حقوق حاکم آن جا را فعلاً حاکم در آن جا نیست بیاید رئیس تلگرافخانه آن جا را کفالت بدهد حقوق کفالتی را که باید بدهد از محل حقوق آن حاکم که در بودجه پیش بینی شده است میتواند بدهد ولی اگر در بودجه چیزی پیش بینی نشده است نمیتواند یک حاکم بفرستد برای آن جا و بیاید مأمور یک وزارتخانه دیگر کفالت بدهد مثل این که اگر خودش حاکم فرستاد برای یک نقطه که برای آن نقطه در بودجه اعتباری پیش بینی نکرده بود نمیتواند بهش حقوق بدهد. پس بنا بر این هیچ مبسر نیست اگر ماموری را کفالت دادند میخواهد آن مامور خود وزارتخانه باشد یا مأمور وزارتخانه دیگر که حقوق از برای او در بودجه پیش بینی نشده باشد طبیعتاً نمی شود از برای او چیزی پیش بینی کرد. راجع به قسمت ملزومات هم که عرض کردم چون ملزومات کل نیست در این ماده چیزی لازم نیست ذکر شود.

رئیس - آقای طاهری موافقت؟

دکتر طاهری - اجازه میفرمائید این قسمت اول ماده در کمیسیون حذف شد و از همین نقطه نظر که مهم نبود و در پانویس کردن اشتباه شده است حالا هم پیشنهاد میشود و قسمت اول اصلاح شود.

رئیس - نظر آقای مخبر؟

مخبر - بنده هم موافقم همین جور است.

رئیس - نظر دولت چیست؟

وزیر عدلیه - بنده هم عرض کرده نظر دولت را که قسمت اول ماده زائد است.

رئیس - موافقت با ماده سوه تصحیحی که میشود قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - انتقال از اعتبار حقوق بمصرف و بالعکس ممنوع است ولی وزارتخانهها در نقل و انتقال (تبدیل محل مأموریت) اعضاء به اعتبار حقوق خود آنها مجاز خواهند بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا بنده آقای وزیر عدلیه عرض میکنم برای توضیح است که در مقام عمل دچار اشکال نشود. ما قانون را که مینویسیم عبارت اولش خیلی خوب است ولی وقتی که کلمه ولی آمد سست میکند و کمرش را خرد میکند اول میگوید انتقال از مصارف و حقوق این درست است و معنای بودجه اش هم همین است که هر فصلی مخصوص بخودش باشد و دیگر آن فصل استثناً بهش بر نخورد ما این ماده را میگذرانیم که حقوق باید بای مصارف رود و مصارف پای حقوق رود یعنی چه؟ یعنی کارها تقسیم باشد و ترتیبی در کارها داده شود سال بسال بایسد کارهای ما از نقض به کمال برود و کارها مرتب شود و بعد یک (ولی) بعدش میگذاریم

این (ولی) چکار میکند؟ این دلیل میشود که آن نظر اساسی که دولت دارد و مجلس هم همیشه دارد که کارها را مرتب کنیم آن از بین می رود یعنی وزارتخانهها در تغییر حقوق مأمورین بمصرف آزاد باشند در ماده نوشته است که در نقل و انتقال یعنی تبدیل محل مأموریت اعضاء به اعتبار حقوق آنها مجاز خواهند بود یعنی اجازه میخواهیم بدهیم که وزراء در تغییر دادن هر ترتیبی که واقع میشود دستشان باز باشد در صورتیکه بودجه را خود وزارتخانهها تقدیم میکنند و آن اندازه که در عرض سال میخواهند پیش بینی کنند در صورتی که بودجه برای یکسال بیشتر نیست آن اندازه که مأمورین را لازم دارند از نقل و انتقال همین را از اول در نظر بگیرند دیگر ایجاد قانون لاستیک و کس دار نکنند قانون بیدخوری مسلم باشد که در شان بسته بشود و پس فردا نیاید (بنده خیلی ملاحظه میکنم و احتیاط می کنم ولی فردا شاید بقیه آقای وزیر عدلیه عرض بکنم که فلان مأمور را از این جا بردارید میگوید من نمیتوانم. میگویم که قانون اجازه داده است این را من باب مثل عرض کرده) و اشکال نکنند و این یک بیبی از برای خود وزراء باز میشود و یک باب تزلزل هم نسبت بمأمورین است و بنده عقیده ندارم بین قسمت استثنائیش

وزیر عدلیه - آقا فقط این جا یک عیب می بینند و آن این است که دست وزراء باز میشود ولی تصدیق میفرمائید که بنده همان چیزی را که شما عیب می بینید حسن میدانم و دولت هم بالطبع این را یکی از کارهای خوب میدانم اما حالا واقعاً صرف نظر از اینکه دولت این را چطور میدانند و آقا چطور میدانند به بینیم که عملاً کدام یکش بهتر است؟ اساساً بودجه معین میشود از برای اینکه اقلام و مطالبی تصویب شود و تسهیل هم شده باشد و قبلاً مملکت بداند چقدر خرج دارد و چقدر عایدات دارد دولت هم نتواند از حدود آن تجاوز کند این اساس بودجه است اما اگر حالا

وارد شوید در آن زندگانی عمومی که دولت بر قوه مجریه هر روز آن زندگانی در تماس است. یک مأموری را بودجه پیش بینی کرده است از برای یک نقطه بیست رتبه معنی فرض کنید رتبه ۷ در بین سال شم می بینید که اگر آن کسی را که درای رتبه ۷ است آن را بردارید و بگذارید در یک نقطه که بیشتر صرف احتیاج است و در بودجه پیش از رتبه پنج برایش پیش بینی نشده است که آن خیلی بهر میشود و بهرتر درمی آید اینجا چه خواهند کرد؟ دست و پایی شسته میشود و نمیتواند کاری بکنند به باید بیایید و از برای این قسمت بیست مقدمات و بیست قانون عیجده بعنوان صلاح بودجه درست کنید به اینکه خودتان بفروریت این را آنچه بدهید. اما از نقطه نظر مأمورین میفرمائید ممکن است تزلزل برای ایجاد کنند بن را بنده تصور میکنم تقدیمی در قضیه ایجاد کنند اگر بنا باشد بنده وزیر یک آدمی شمه که در هر قضیه آقای یک دیگر بتوانند بمن بیست تخمینی بکنند یک امری بکنند بنده بدون ملاحظه صرف حاضر بشود یک کاری بکنم خوب آن مأمور رتبه ۷ را از آنجا بر میداره و یک رتبه هفت دیگر جایش میکند به آن رتبه هفت را بر میداره و یک رتبه ۵ جایش می گذاره پس در هر حال آن شخصی را که شما میگوئید با این ماده متزلزل میشود او در هر صورت متزلزل هست و ممکن است متزلزل باشد به اگر بعکس بخواهند تشخیص بدهد در سرکار هستند بدون دلیل تغییر بدهند وقتی که دلیلی پیدا کرد حتماً تغییر میدهند) آن را هم دلایلش را بعد پیدا خواهند کرد و تغییر میدهند پس اینجا فقط این فایده را دارد که در وسط سال البته زیاد هم اتفاق نمی افتد و البته هم تصور که شما میفرمائید هر قدر که ما جلوتر و پیش تر برویم دولت احتیاجات خودش را بهتر میتواند تشخیص بدهد و بهتر پیش بینی میکند که در فلان نقطه چند مأمور لازم دارد در مرکز اصفهان یا مرکز شهرهای مهم دیگر حاکم با چه رتبه لازم دارد و از ابتدا پیش بینی میکند لیکن در وسط سال

کمی خیلی کم ممکن است اتفاق بیفتد برای یک مأمور پائین تری که شما فقط و فقط این اشکال را بواسطه بودن این ماده پیدا میکنید محل دارید در بودجه ولی محل این رتبه را ندارید فرض محل این رتبه پنج است و این شخصی را که میخواهند بفرستند رتبه شش است البته او باید حقوق کمتر بگیرد و نخواهد گرفت و اگر نخواهید بیک شکل دیگری نقل و انتقال بدهید که تا یک همچو ماده خیلی محکمی در اینجا نباشد که میشود این کار را کرد اما آن قسمت که آقا میفرمایند در باز میشود بنده همچو خیال میکنم که اگر در آن مواردی که آقا میفرمایند خدای نکرده دولت نخواهد سوء استفاده بکند در باز هست و راهش را پیدا میکند و در آن مواردی که صاف و صریح است که باید این اختیار را بهش داد که بتواند برای ممالک کار بکند.

رئیس - آقابنیکه با ماده چهارم موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود:

ماده ۵ - هیچیک از وزارتخانهها نمی توانند بعد از هر یک از مراتب قانونی در بودجه خود بپذیرند و هر گاه محلی در نتیجه حذف رتبه عالیتری ایجاد شود فقط از محل مزبور می توانند یک نفر از رتبه مادون علاوه نمایند و همچنین هیچیک از وزارتخانهها نمی توانند از اعتبار صدی دو و غیر مترقبه منظور در بودجه مشاغل ایجاد نمایند. اداره تشکیلات نظمی از مدلول قاعده فوق مستثنی است و می تواند از محل حقوق رتبه عالی تر چند رتبه کوچک تر ایجاد نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا آقای وزیر عدلیه توجه فرمائید همین جور آقای مخبر توجه باین موضوع داشته باشند این ماده متضمن چندین موضوع است یک موضوع اساساً این است که بنده آن روز هم عرض کردم آقای

بنده هم من فرمودند که این موضوع را ما کاملاً در نظر میگیریم و آن موضوع صرفه جوئی است عرض کردم یکی از اقلام درشت بودجه ما یعنی عوائد مان را که ملاحظه کردیم همین زحماتی بود که مستخدمین آمریکائی بعنوان صرفه جوئی در بودجه ایجاد کردند و بعد هم ما آن را تعقیب کردیم عنوان صرفه جوئی یک عنوان مسلمی واقع شد حتی در دوره وزارت مالیه سابق هم ما همچو قرارداد بودیم هم در کمیسیون هم در خارج که هر جایی که عنوان صرفه جوئی می آید بول صرفه جوئی را همانطوری که سابق می گفتیم بول وقف مقدس است بول صرفه جوئی را هم گفتیم مثل بول وقف نباید دست بزینیم مگر برای یک مصارف لازمه فوق العاده و خیلی احتیاط و ملاحظه می کردیم ولی در این جا یک عبارتی دارد که یک قلم از صرفه جوئی ما را ازین میبرد آن کدام است این است که میگوید: هیچیک از وزارتخانهها نمی توانند بعد از هر یک از مراتب قانونی در بودجه خود بپذیرند و هر گاه محلی در نتیجه حذف رتبه عالیتری ایجاد شود فقط از محل مزبور می توانند یک نفر از رتبه مادون علاوه نمایند. نگاه کنید این جا خوبست صرفه جوئی بکنند اگر حذف کردند صرفه جوئی کنند مگر قسم خورده ایم بحضرت عباس که هر چه بودجه را اول سال در تحت ماده واحده گذرانیم تا آخر سال همش را بالا بیاوریم؛ اگر یک محلی را حذف کردیم بگذاریم مجلس باقی باشد. اینجا آقای وزیر عدلیه باز میفرمایند بگذارید دست وزراء باز باشد. دست وزراء را تصدیق دارم باز باشد و بقدری هم باز است که بحمد الله از ایران هم باز تر است ولی هیچ محتاج نیست مگر لازم کرده است که هر جایی که ما تصور میکنیم یک صرفه جوئی پیدا میشود حتماً بیائیم و در تحت عبارتی اجازه بدهیم که خرج کنند یا بتوانند در آن جا یک عضو دیگری اضافه کنند؛ برای چه؟ اول سال که بودجه را می نویسد احتیاجات خودتان را پیش بینی کنید ملاحظه کنید بعد اگر یک رتبه مدیر کلی یا یک رتبه

هشت مثلاً غیر محتاج الیه شد خوب وقتی که غیر محتاج الیه شد بودجه این محل را باید زد و صرفه جوئی کرد ولی اینجا می گوید هر گاه محلی در نتیجه حذف رتبه عالیتری ایجاد شود فقط از محل مزبور می توانند یک نفر از رتبه مادون علاوه نمایند. این همان صرفه جوئی است که ما می توانیم نگاه داریم ولی حالا اجازه خرجش را میدهم. چرا؟ این یکی و همچنین جمله هیچیک از وزارتخانهها نمیتوانند الی آخر این را هم قبول میکنیم میرویم سر موضوع دیگر که آقای دکتر طهری هم اشاره فرمودند که طرف مجلس وزارتخانههاست نه ادارات تابعه. خوب بعد از آنکه ظرف مجلس وزارتخانهها بود مثلاً طرف مجلس وزارت عدلیه است نه اداره ثبت اسناد بنا بر این اداره ثبت اسناد را مکلف بکاری نمی کنند وزارت عدلیه اختیار میدهد که در اداره ثبت اسناد فلان کار را بکنند یا بوزارت اقتصاد اجازه میدهد که در فلان اداره اش فلان خرج را بکند یا فلان تشکیلات را بدهد. این جا در ماده میگوید اداره تشکیلات نظمی از مدلول قاعده فوق مستثنی است. خوب آقا اداره تشکیلات نظمی ما که وزیر نظمی نداریم وزیر داخله داریم اداره نظمی یکی از ادارات مرتبطه بوزارت داخله است و باید تابع وزارت داخله باشد و ما این اجازه را بید بوزارت داخله بدهیم که اداره نظمی را فلان جور بکند ما همیشه باید قانون اساسی را در نظر داشته باشیم و وزای مسئول را در نظر بگیریم نه یکی از ادارات را و ما نمیتوانیم برای ادارات مستقلاً قانونی بگذاریم طرف مجلس وزیر مسئول و وزارتخانه مربوطه است این مطلب درست که نظمی محتاج الیه مملکت است و اداراتش را باید توسعه داد در تمام مملکت ولی توسعه را باید وزارت داخله بدهد نه اینکه ما بیائیم و در خود قانون بنویسیم اداره تشکیلات نظمی از قاعده فوق مستثنی است و او را مستقلاً طرف قرار بدهیم این یک نظری است که بنده دارم و باید وزارت داخله نوشت

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم چطور آقا این ماده را برخلاف صرفه جوئی تشخیص دادند؟ در یک جایی رتبه ۹ در بودجه پیش بینی شده است بعد یک وزارتخانه می آید یک رتبه ۸ لازم دارد جای آن محل رتبه ۹ که در عمل حذف شده است یک رتبه ۸ که پائین تر است می گذارد این صرفه جوئی نیست آقا؟ بعلاوه اجازه هم ندارند که بجای آن رتبه ۹ دو نفر از رتبه های پائین بگذارند خیر یک نفر بیشتر نمی تواند بگذارد و اگر یک رتبه های بالاتری را حذف کردند نمی توانند از آن چند رتبه پائین تشکیل بدهند مثلاً اگر بنده یک رتبه سیصد و دوازده تومان را حذف کردند نمی توانند از آن نه رتبه با حقوق سی و دو تومان درست کنند خیر باید یک نفر بیاورند سرکار می خواهد رتبه یک بشد یا دو یا سه یا هشت این پیش بینی برای این شده است که مبدأ رتبه های بالا حذف شود و یک عدد دیگری را بیاورند سر جای آنها. آنوقت چطور این را بر خلاف صرفه جوئی میدانید؟ بنده عرض میکنم که قرار گذاشتیم اگر یک رتبه بالاتری را آمدند و حذف کردند بجایش یک رتبه پائین تر ممکن است آورد ولی چند رتبه پائین تر که مجموع حقوقش هم تجاوز نکند باز نمی تواند این که درست عین صرفه جوئی است اما در قسمت دوم که فرمودید بنده اصلاً وارد نمی خواهم بشوم از نقطه نظر عادت قانون و اگر پیشنهادی در این زمینه دارید فرمائید ممکن است پیشنهاد فرمائید بجای اداره تشکیلات نظمی نوشته شود بوزارت داخله اجازه داده میشود که در بودجه نظمی الی آخر این اشکالی ندارد (صحیح است)

رئیس - آقای طهری موافقت؟

طهری - بلی. مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم بماده پنجم...

مخبر - اجازه میفرمائید؟ آقا سید یعقوب پیشنهادی در

این موضوع دارند و تقدیم می‌کنند قدری تامل فرمائید  
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم در ماده پنجم عوض کلمه اداره  
تشکیلات نظمی نوشته شود وزارت داخله در قسمت  
تشکیلات نظمی الی آخر.

رئیس - آقای مخبر؟

مخبر - بنده موافقم.

وزیر عدلیه - يك مرتبه دیگر قرائت شود  
( بشرح گذشته قرائت شد )

رئیس - موافقت؟

وزیر عدلیه - بنی موافقم.

رئیس - آقای دشتی فرمایشی داشتید؟

دشتی - این استدلالی را که این جا آقای آقا سید  
یعقوب فرمودند بهیچوجه وارد نیست یعنی لزومی ندارد که در  
قسمت قانون بودجه مملکتی اسم اداره نظمی نیاید و لازم  
نیست که نظمی يك وزیر مسؤل داشته باشد تا اسمش در  
بودجه بیاید. تشکیلات نظمی جزو وزارت داخله است  
و بالاخره هیچ دلیلی هم ندارد که ما این اسم را تغییر بدهیم بنده  
نمیخواهم بگویم که پیشنهاد ایشان بداست ولی این استدلالی را  
که ایشان کردند که این جا نوشته شود تشکیلات نظمی  
بد است و بهتر است نوشته شود وزارت داخله این  
استدلال غلط است و تشکیلات نظمی هم یکی از ادارات  
مملکت است و بالاخره يك وزیر مسؤل هم دارد که  
آنها هم وزیر داخله است و ضرری هم ندارد که اسمش  
در قانون بودجه نوشته شود

مخبر - اجازه می‌فرمائید؟

عده از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - رأی میگیریم بماده پنجم با اصلاح پیشنهادی  
آقای آقا سید یعقوب که دولت و مخبر هم قبول کردند  
موافقت قیام فرمایند ( جمع کثیری برخاستند ) تصویب شد.  
[ ۴ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر

امور خارجه ]

دو قسم عهدنامه ( یکی تجارتي و یکی گمرکي ) یکی را داريم و  
یکی را نداريم و با بعضی از دول هم عهدنامه تجارتي نداريم  
و اساساً عهدنامه بسته نشده است این جا دولت  
توجه کرده است باینکه وقتی که باینک دولتی عهدنامه  
تجارتي نداشته باشیم اعم از اینکه عهدنامه گمرکي داشته  
باشیم یا نداشته باشیم تکلیف تجارت ما با آن دولت  
چيست؟ در این خصوص هم که تکلیف دولت باید  
معلوم شود ( صحیح است ) نظر خود دولت این است  
که با آن دول باید بای نحوکان اساس معامله و تجارت  
ما روی اساس معامله متقابل باشد ( صحیح است )  
حالا روی این اصل يك لایحه قانونی تقدیم مجلس  
مقدس میکنم ( صحیح است ) لایحه را تقدیم مقام  
ریاست نمودند

[ ۵ - مذاکره در لایحه متمم بودجه مملکتی از ماده ۶ ]

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ششم - مامورین و مستخدمین رسمی دولت  
که از صندوقهای خارج از خزانه دولت حقوق دریافت  
میکنند مثل مستخدمین بانک ملی و غیره مکلف بتادیه  
کسور تقاعد می باشند و خدمات آنها بر طبق قانون  
استخدام کشوری جزو خدمت رسمی محسوب خواهد شد  
رئیس - آقای طاهری.

طاهری - موافقم. مخالفی نیست.

رئیس - رای میگیریم بماده ششم موافقت قیام فرمایند.  
( اکثر قیام کردند )

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده هفتم - چنانچه مقتضیات اجتناب نمود یکی از  
مشاغل کشوری اتفاقاً بصاحب منصبان لشکری رجوع  
شود صاحب منصبان مزبور در مدت تصدی خود حق دارند  
تفاوت حقوق خود را تا میزان حقوق شغل کشوری  
که در بودجه آن وزارتخانه منظور شده است دریافت نمایند  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - این جا آقای یسائی توجه فرمائید  
می نویسد: چنانچه مقتضیات اجتناب نمود مثلاً در يك  
جائی يك امیر لشکری را ایالت دادید یا سرهنگی را برب  
الحکومه کردید این جا حقوق آن ایالت را میگیرید  
حقوق آن نایب الحکومه را میگیرد خوب این حقوق را  
از بودجه وزارت جنگ خواهد گرفت یا از آن وزارت خانه  
که شغل آن وزارتخانه را دارد؟ این جا عبرت ظوری  
است که از آن وزارتخانه که شغل آن را دارد میگیرد  
یا از وزارت جنگ معلوم نیست. ( دشتی - چرا از  
ان وزارتخانه میگیرد. آقای دشتی صبر کنید توجه فرمائید  
این جا مینویسد تفاوت را میگیرد اما از کجا؟ معلوم نیست  
اگر چه این ( دشتی - از وزارتخانه که شغل آن را  
دارد دیگر ) چیزی نیست ولی بنده برای توضیح عرض میکنم  
اینجا مینویسد. چنانچه مقتضیات اجتناب نمود که  
یکی از مشاغل کشوری اتفاقاً بصاحب منصبان لشکری رجوع  
شد صاحب منصبان مزبور در مدت تصدی خود حق  
دارند تفاوت حقوق خود را تا میزان حقوق شغل کشوری  
که در بودجه آن وزارتخانه منظور شده است دریافت  
نمایند خوب این از وزارت داخله یا از وزارت جنگ  
( دشتی - وزارت داخله ) و این معلوم نیست

وزیر عدلیه - اینجا گمان میکنم آقای احتیاط این  
عنوان را کشیدند جلو. ضرری ندارد ولی بنده عرض  
میکنم مقصود آن وزارتخانه ایست که شغل آن را دارد  
مثلاً از وزارت داخله که آقای مثال زدند نه از وزارت  
جنگ از محض همان وزارتخانه که شغل آن اداره می کنند  
رئیس - موافقت با ماده هفتم قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم:

ماده ۸ - پرداخت وجوه ( غیر از وظیفه و انتظار  
خدمت ) فقط در ازاء خدمت و یا اشیاء و ملزوماتی  
که خریداری میشود بعمل خواهد آمد و بعنوان انعام  
یاهدیه یا مخارج سری جز آن چه از اعتبارات دولت  
اجازه داده شده پرداخت نخواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - این جابرای توضیح عرض میکنم نوشته است در ماده هشتم : پرداخت وجوه غیر از وظیفه و انتظار خدمت . در صورتیکه در کتاب بودجه ما غیر از این عنوان يك چیزی هم است و آن شهریه است آیا آنرا هم جزو وظیفه میکینند یا نه؟ در صورتیکه بعقیده بنده وظیفه صیغه اش غیر از صیغه شهریه است (دستی - یکی است) غرض این است که وزارت مالیه اشکال می کند و خوب است نوشته شود غیر از وظیفه و شهریه و انتظار خدمت چون صیغه وظیفه غیر از صیغه شهریه است و در بودجه هم جدا نوشته میشود بدو جمله و دو صیغه می نویسند . قطع نظر از اینکه بنده که در کمیسیون بودجه بوده يك مخارجی هست مثل روشنائی و غیره که خود هیئت وزراء پیشنهاد کردند و از کمیسیون هم گذشته است اینها جزو کدام صیغه است شهریه است وظیفه است چیست ؛ بنده عقیده دارم که نوشته شود مطابق آنچه که در کمیسیون بودجه مطابق آن کتاب ثبتی که همیشه داشتیم . چرا ؛ برای اینکه در موقع عمل خزانه داری گیر نکند و اشکال پیش نیاید و نظرم این است که توضیحی داده شود تا در مقام عمل اسباب اشکال نشود و گیر نکند بنویسند در ازاء خدمت یا اشیاء یا ملزومات که خریداری میشود . نظر بنده توضیح است

وزیر عدلیه - اولاً بنده با توضیحی که از طرف دولت در این جا میدهم گمان نمی کنم اشکالی باقی بماند توضیحی که بنده عرض می کنم این است که : البته شهریه را که شمامی فرمائید این شهریه را مابطور وظیفه بمعنی اعم تلقی می کنیم یعنی وظیفه را بمعنی اعم میگیریم و شهریه هم جزو آن است همینطور امثال آن ولی در هر حال يك عده از آقایان نمایندگان پیشنهادی کرده اند آن پیشنهاد می آید و قرائت میشود و مطلب را روشن میکند رئیس - پیشنهاد آقای فهمی قرائت میشود :

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۸ بطریق ذیل نوشته شود :  
ماده ۸ - پرداخت وجوه غیر از حقوق تقاعد و انتظار خدمت و شهریه و مستمریات فقط در ازاء خدمت الی آخر ماده .

فهمی - بی چون لفظ وظیفه يك قدری اعم است و شامل مستمریات و شهریه و غیره میشود و گاهی از اوقات هم دیده ایم که در مالیه فقط اختصاص میدهند بمستمریات لذا برای توضیح مطلب بنده پیشنهاد کرده که نوشته شود تقاعد انتظار خدمت شهریه و مستمریات که اشکالی پیش نیاید این چهار قلمی که خدمت معینی در مقابل ندارد اینها را بنده تصریح کرده و غیره از اینهم حقوق دیگری که بدون خدمت باشد در نظر نیست .

مخبر - بنده موافق هستم ولی بایک توضیحی و آن این است که حقوق تقاعد اعم از این است که باشخاص داده میشود یا بورثه شان که اصطلاح آن قانوناً عوض میشود و تبدیل بوظیفه میشود (مطابق قانون وظایف) البته نظر ایشان هم همین است (فهمی - صحیح است) که اگر يك نفر فوت شد و متقاعد بود وظیفه اش که بوراث میرسد و مطابق قانون وظایف من باب وظیفه باو میدهند آنرا هم شامل بشود در هر صورت با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند بنظر بنده میشود با این پیشنهاد موافقت کرد و اشکالی ندارد .

رئیس - موافقین با ماده هشتم با افزایش پیشنهاد آقای فهمی و قبول آقای مخبر قیام فرمایند .

(جمع کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . ماده نهم

ماده ۹ - حد اقل مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری ۳۲ تومان و حد اقل رتبه اول قضائی ۵۰ تومان میباشد

رئیس - مخالفی ندارد

(اظهاری نشد)

رئیس - موافقین با ماده نهم قیام فرمایند .  
(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده دهم

ماده ۱۰ - وزارتخانهها مکلفند نسبت بکلیه لواحق مالی و بودجه و اعتباراتی که تعهد میشود از نقطه نظر مالی قبلاً موافقت وزارت مالیه را جلب نمایند

رئیس - مخالفی ندارد . موافقین با ماده دهم قیام نمایند

(اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده یازدهم :

ماده ۱۱ - طرز وصول عوائد دولتی اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه های مصوب هیئت وزراء خواهد بود

رئیس آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا خوشحالی اینست آقایان وزراء هم تشریف دارند يك موضوعی را امروز روزنامه ایران و بعضی جرائد نوشته بودند مخصوصاً جلب نظر آقای وزیر عدلیه را در این موضوع میکنم که نظر داشته باشند بمأمورین که طرز عمل و طرز وصولشان چه چیز است . در فسا آخر من این را بچرم عرض کنم غیر از شما و غیر از اینجا و غیر از شما وزراء که جای دیگر را ندارم بگویم . خوشه چین : وقتیکه خرمن درو شد يك عده میروند و خوشه چینی میکنند عقب آن کسانی که درو میکنند يك عده فقیر هستند که خوشه چینی میکنند در زاعت باغهای انلور که انگور چینی میکنند و آن وایزک یا وایسک و میوه ها یا خوشه که در اطراف ریخته با باقی مانده آن را جمع آوری میکنند و میبرند این در تمام دنیا مرسوم است و آزاد هم هست و نسبت بکداها و فقرا این ارفاق را میکنند . در فسا وقتی که تریاک گرفتند عقب سر آن يك کسی که آمده تریاک را

گرفته و رفته پدري آمده تریاک را تیغ زده و گرفته و رفته بعد می آید که وایزک آن تریاک را جمع آوری کند ( باصطلاح خودمان است وایزک آقای کازرونی ) آزاد هم هست ( کازرونی - بلی صحیح است میدانم ) و این پسر بقدر يك مثقال یا دو مثقال تریاک گرفته است مامور آنجا اورا بقدری زده است که مرد که مرده است نه اینکه دروغ بگویم آقا حقیقه مرده است شکمش پاره شده است و این جور سرش آمده است ( کلائی - در روزنامه نوشته شده است ؛ ) بلی . بلی در روزنامه نوشته شده است گرچه میدانم آقای وزیر عدلیه و وزیر داخله در این باب تعقیب خواهند کرد و امید وارم که در آتیه هم این جور کارها واقع نشود و عده النظیر باشد ولی بعد از آنکه واقع شد دولت باید اینها را در نظر داشته باشد و انسان هم بچر است که اینها را بگوید و دولت را توجه بدهد بمأمورین خودش که در خارج از مرکز در اطراف و اکناف مملکت هستند چون این ماده راجع بطرز وصول بود این بود که بچر شده این عرض را بکنم در ماده ۱۱ نوشته است طرز وصول عوائد دولتی اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه های تصویب هیئت وزراء خواهد بود و بنده باعتبار اینکه در پیرگرام وزراء رای داده ام و مطمئن هستم که نظامنامه های را که مینویسند مواظب این مسئله هستند که خلاف قانون نباشد لکن بنده میدانم . چطور شده است که در نظامنامه طرز وصول مأمورین را درست معین نکرده اند که اگر آن مامور مرتکب خطا یا خطی شد و فشاری بمردم آورد چطور مجازات باید بشود این جا در ماده فقط نوشته شده است که بر طبق نظامنامه مصوب هیئت وزراء این جا بنده چون آن نظام نامه را ندیده ام و این عمل را هم دیده ام که مرتب بر اجرا و طرز وصول شده است میدانم چه میشود ؛ باز برای اطلاع خودتان عرض میکنم آقای وثوق تشریف دارند عرض میکنم نان را نمی گذارند از بیرون بیاید توی شهر خیلی خوب مرد که مازندران



نان خریدار بود می خواست ببرد بیرون ده دروازه جلوش را گرفته بودند. نانی که خریده بود نمی گذاشتند ببرد!! گفتم آقا نان را از این جا میشود برد از خارج میگوئید نباید خوب ولی از اینجا که میشود برد چرا نباید ببرد؟ دو ساعت داد و قال بود. سر آوردنش اجازه می خواهد بردنش که دیگر اجازه نمی خواهد بابا از اول توجه بفرمائید آقا این يك عملیاتی است که در موقع عمل میشود حالا ولو بی مرحمتی بفرمائید بنده دست از عرض بر نمیدارم و تذکر میدهم ناچاره بگویم و بوزراء تذکر بدهم عرض بکنم که دست این مأمورین سببی العمل را کوتاه کنند و شر آنها را از سر مردم رفع کنند که مردم راحت و آسوده شوند و آنها را بکلی از بین ببرند. این عواطف پادشاه این توجهات وزراء این زحمات مجلس شورای ملی برای راحتی مردم ولی این کار مأمورین!! آخر می خواهید چه بشود؟

وزیر عدلیه - خوب آقا اینهایی که می فرمایند همه

بجای خود صحیح و البته مأمور اجرا بایستی که شعور داشته باشد و بی غرضانه و بی طرفانه عمل بکند و بایستی که قانون را در نظر بگیرد و بس و مطابق قانون آن حکمی را که بهش کرده اند آن را اجرا کند و اگر يك مأموری پیدا شد بر خلاف قانون يك عملی کرد يك کسی را زد و يك کسی را کشت برای آنهم يك قوانین سختی هست و مجازات هم خواهد شد و روی هم رفته خودتان تصدیق میفرمائید بنده هم ناچارم عرض کنم که از مدتی پیش باینطرف شما می دانید که نسبت به مأمورین دولت روی هم رفته نمی شود گفت اغماض میشود هیئت های تقنینیه هست که اینطرف و آنطرف فرستاده می شوند (کازرونی - تنها راجع باختلاس) نه اینطور نیست تنها از حیث اختلاس نیست در موارد دیگر هم همین طور است منتهی جرمی است که دولت باید مطلع شود يك کاری شده است تا بتواند تعقیب کند و از برای اینکه کاملا مطلع شود از برای اینکه مبدا يك کار هائی بشود که دولت مطلع

نشود مأمورین تقنینیه میروند تقیض میکنند بمردم خبر میدهند و تا درجه هم که مسائلی پیش میاید و ممکن است این مسائل تعقیب بشود تمام این مسائل تعقیب میشود و وقتی که معلوم شد يك کسی کار بد کرده است آن کس را میگیرند مجازات میکنند مگر آقا فراموش کرده اید در چهار ماه پیش از این رئیس و چند نفر از اعضاء مالیه کرمان (مگر برای اختلاس بود) که محکوم شدند در اینجا بدو سال حبس برای تعدی بود از برای این بود که اشخاصی را گرفته بودند و اذیت کرده بودند اشخاصی چون از شان گرفته بودند و اینطور نیست که دولت باین نظر لاقیدی نگاه بکند. هر کس هر کاری کرده است بکند مسلم همان طوری نه بدبختانه در بین افراد ناس در ایران و خارج ایران کسانی پیدا میشوند که بحقوق دیگران تجاوز می کنند اشخاصی پیدا میشوند که تعدی میکنند اشخاصی پیدا میشوند که تجاوز میکنند بحقوق دیگران و مالشان را میبرند و قتل نفس میکنند همانطور هم در بین مأمورین دولت ممکن است يك اشخاصی باشند که يك خلافهایی را مرتکب بشوند ولی هیچکدام از اینها آیا مربوط باین هست که مطابق نظامنامه کار نمیکنند هیچکدام از اینها را میشود تصور کرد که در يك نظامنامه بردارند بنویسند که شما لازم است وقتی میروید از کسی مالیات وصول کنید بطوری پس گردنی بزنید که چشمش از حدقه بیرون بیاید اینطور نیست نظامنامه البته يك مواردی را محدود کرده است پس بنا بر این بنده گمان میکنم شما با اصل ماده موافق هستید منتهی خواستید تذکری داده باشید و هر موردی که با اطلاع آقا رسید ما آن مأمور را مسلم تعقیب میکنیم همین الان چند دقیقه قبل از اینکه بنده بیایم سه نفر مأمور از نقاط تقریباً سی چهل فرسخی طهران معین شده اند بروند برای يك شکایتی که از يك نایب الحکومه کرده اند خوب چقدر میشود تعقیب کرد دیگر؟ (صحیح است)

رئیس - آقا ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم این ماده در لوایحی که سابق در لوایح بودجه که تقدیم شده بود و خبرش بمجلس میآمد ابتدا نبود و این ماده جدیدی است که در این لایحه و خبر افزوده شده و بنظر بنده این ماده خوب است باشد ولی صورت مخصوصی باید بخودش بگیرد باین معنی که بنده شخصاً در طرز عمل مأمورین عرضی ندارم ولی در طرز تدوین نظامنامه اش نظر دارم بکوقت هم يك لایحه در فرا کسیون آوردند که مربوط باین لایحه بود و مذاکره شد که يك قانون خاصی از برای این موضوع بگذرد این بود که آن لایحه همینجور در فرا کسیون ماند و تقدیم مجلس شد بنده نمیدانم چه ضرورتی ایجاد کرده است که این ماده در این لایحه باشد در صورتیکه در لوایح سابقه نبوده است خوب است ضرورت این را آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند در صورتیکه در لوایح سابق نبوده است چه ضرورتی دارد و طرز وصول مالیات اصلاً يك طرز وصولی است که سالها در این مملکت معمول بوده است اگر يك طرز خاصی میخواهند در نظر بگیرند البته این بعقیده بنده يك چیزی است که باید مجلس هم درش نظر داشته باشد البته دولت محل اعتماد مجلس است ولی یکی از قسمتهای حساسی است که بعقیده بنده وقتی که بخواهند طرز وصول مالیات را تغییر بدهند و نظامنامه جدیدی بخواهند تهیه کنند این را با اطلاع مجلس باید تهیه کنند که ما اطلاع داشته باشیم لا اقل نظری داشته باشیم تا بفهمیم چه جور است يك وقت خبر نشویم يك نظامنامه نوشته اند که برای مردم تولید زحمت و مشکلات شده باشد (کازرونی - صحیح است) بعضی مطالب بعقیده بنده باید مشخص باشد اینجا بنده عرض میکنم مثلاً فرض کنید يك وقت مأمور مالیه میآید از يك مؤدی مالیاتی مطالبه مالیات میکند شاید در نظامنامه قید شده باشد در صورتیکه ملک باید مالیات بدهد این را باید بیاورند و توقیف کنند و از این مالیات را بگیرند در صورتیکه ملک باید مالیات بدهد و اگر مالیات دهنده مستکف باشد

باید مراجعه بمملکت کنند نه بشخص (کازرونی - صحیح است) البته معمول دولت این نیست ولی بنده در این لایحه همچو خیال میکنم که ما بطور کلی اینطور اختیار بدهیم شاید يك قدری در عمل اسباب اشکال بشود فرس بفرمائید بکنفرانس است در فرانس آنچه نوشته است مأمورین مالیه هم تمام مأمورینی هستند که ممکن است چیزی هم عملشان مورد تصدیق نباشد ب تمامه این تظییقاتی هم که شده است دیون جزئی عمل دولت هم درست شده است معذرت آن مأمور تحصیلدار خود سری که در یکی از قطعات مملکت هست و ماهی بیست تومان هم حقوق میگیرند آن اصلاً مقید این نیست که اگر آوردنش اینجا و شش ماه هم در نظمیة حبس کردند مقید نیست او میرود آنجا و يك بیچاره را که يك حیثیتی و شئونی دارد بگیرد و توقیف میکند در صورتیکه او باید مالیات بدهد و اگر مالیات نداد برود از ملکش بگیرد خودش را که نباید بگیرد و توقیف کند بنظر بنده این مسائلی بود که خواستم بعرض مجلس و مخصوصاً آقایان برسانم و تصور میکنم اگر يك اصلاحی در این ماده بشود بهتر باشد.

مخبر - اگر نظر آقای ملک مدنی باشد چندی پیش دولت برای وصول مالیاتها يك لایحه آورد و این لایحه ارجاع شد بکمیسیون عدلیه و اعضاء کمیسیون عدلیه تصویب این لایحه را از صلاحیت خودشان خارج دانستند و اظهار کردند که این را باید کمیسیون مالیه رسیدگی بکند و کمیسیون های مربوطه این قضیه مسکوت عنه ماند ولی ماده که آن لایحه از مجلس شورای ملی نگذشته است تصدیق میفرمائید که دولت باید بيك ترتیبی مالیاتها را وصول کند البته يك نظاماتی میخواهد بيك نظامات اداری میخواهد بيك نظاماتی که تنه وزیر مالیه وضع بکند و هیئت وزراء تصویب کند و اجرا شود اما در قسمتی که فرمودید که مأمورین مالیه بيك کسی را برای تادیه مالیات توقیف بکنند همچو

نویسها زحمت دارد

چیزی نیست مطابق اصل دهم قانون اساسی هیچکس را نمیشود توقیف کرد مگر بحکم رئیس عدلیه یا در مورد جنحه و جنایت. اگر در امور جنحه و جنایت بود غیر از رؤسای عدلیه هم میتوانند توقیف کنند رئیس مالیه خودش شخصاً توقیف کند این حق را ندارد مگر يك قانونی باصراحه این اجازه را بدهد (کازرونی - همین قانون) و تصریح شده باشد که امنی مالیه میتوانند برای گرفتن مالیات کسی را توقیف کنند این ممکن است ولی اگر تصریح نشده باشد مأمورین مالیه نمیتوانند هیئت وزراء هم چنین نظامنامه بر خلاف قانون وضع میکنند امین مالیه هم همچو اقدامی نمیکند اگر کرد باید تعقیب جزائی بشود مثل سایر تعقیبات قانونی برای تعدیاتی که میشود.

وزیر عدلیه - لازم میدانم عرض کنم که نوشته میشود و نظامنامه البته نظامنامه باید يك چیزی باشد که یا در حدود قوانینی که راجع بان موضوع است یا در حدود قوانینی که برای آن کار است حق توقیف يك حقی نیست که در ضمن يك نظامنامه يك کسی بتواند بردارد بنویسد مگر اینکه يك پایه قانونی در يك جائی داشته باشد یعنی در يك جای قانون نوشته شده باشد و این مأمور بیاید با این مقدمات يك چنین اقدامی بکند و الا يك نظامنامه ممکن نیست نوشته شود که از برای وصول مالیات بمؤدی رجوع کنند و اگر نداد توقیفش کنند پس بنا بر این بنده گمان میکنم که هیچ نگرانی نباشد و با توضیحاتی که ایشان دادند بشما اطمینان میدهم که اگر يك مأمور مالیه روی نظامنامه بخواهد این کار را بکند مطابق قوانین قابل تعقیب جزائی است و بایستی که عدلیه او را تعقیب کند

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - در ماده یازده بنده.....

رئیس - آنجا که شما صحبت میکنید برای تند مالیات ها قید شده است که مطابق نظامنامه است یعنی

مطابق نظامنامه که هیئت دولت تصویب بکند بنده عرض میکنم که این که از مجلس بگذرد وضع قانون دیگر معنی ندارد برای اینکه دولت قانونی پیشنهاد میکند مجلس هم تصویب میکند طرز وصول راه معین میکند فرضاً همین لایحه مالیات بر عواید از مجلس گذشته است مجلس هم طرز برای وصول مطابق پیشنهادی که دولت تقدیم مجلس کرده است يك موادی از مجلس گذشته است حالا اگر اختیار داده شود يك نظامنامه برای وصول تنظیم کنند این معنایش این است که آن مواد يك چیز لغوی بوده است خوب بز مجدداً اجازه داده میشود که يك مواد مخصوصی دولت بطور نظم نامه حق دارد وضع بکند و بین طرز مالیاتها را وصول بکند البته بنده هم قطع دارم و کاملاً این را اعتماد دارم که دولت فدری ندارد غیر از تسهیل امر مردم ولی این را هم در نظر بگیرید که ممکن است یعنی هست در عمل غالباً بنده خودم میشنوم يك سوء اجراهایی میشود از نفهمی و عدم اطلاع مأمورین که تولید اشکال میکنند و این ترتیبی که پیشنهاد شده است و در ماده قید شده است که نظامنامهائی ترتیب داده شود و تصویب شود و مطابق آن نظامنامه اجرا شود این را خوب میدانم و يك پیشنهادی تهیه کرده ام و تقدیم کرده ام خدمت آقای رئیس قرائت میشود که نظامنامه در حدود قانون و با رعایت قانون باشد این قید بشود در آخر ماده که نظامنامهائی که تنظیم میشود در حدود قانون و با رعایت قوانین است البته این ضرری ندارد ولی اگر قید نشود بنده تصور میکنم قوانینی که سابقاً وضع شده است با این ماده لغو میشود - برای اینکه يك اختیاری داده شده است و هر نظامنامه که تنظیم بشود همان قانون است

وزیر عدلیه - بنده اول هم عرض کرده حالا هم

عرض میکنم که هیچ نظامنامه نمیتواند از حدود قانون

خارج باشد (صحیح است) بنا بر این اگر آقایان

باز لازم میدانند که این عبارت را بنویسند برای اینکه خاطرشان مطمئن باشد بنویسند در حدود قوانین مملکتی عیب و اشکالی ندارد بنده هم موافقم (صحیح است) برای اینکه محرز است که در حدود قوانین مملکتی هیچ نظامنامه نمیتواند بیاید و طرز معین کند این نوشته شود جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود:

مقام منبع ریاست معظمه دامت عظمه

ماده یازده را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۱۱ - طرز وصول عواید دولتی اعم از مالیاتهای

مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه های مصوب هیئت

وزراء که بمقتضیات هر محلی تنظیم میشود خواهد بود

دهستانی - توضیح بنده همان بود که عرض کردم

اگر آقای مخبر موافقت بکنند...

رئیس - استرداد کردید؟

دهستانی - گفتم اگر آقای مخبر توضیح بدهند

استرداد میکنم

مخبر - چون ایشان پیشنهاد کردند که نظامنامه را

بمقتضیات هر محلی بنویسند تصدیق میفرمائید عملی نیست

و نمیشود با این پیشنهاد موافقت کرد که در هر جائی

يك نظامنامه بنویسند حالا شاید در تعقیب پیشنهاد ایشان

پیشنهاداتی شده باشد که منظور ایشان را تأمین کند

خوب است مسترد بفرمائید

دهستانی - مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت میشود

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

در ماده یازده پیشنهاد میکنم آخر ماده اضافه شود

مشروط باینکه مواد نظامنامه مخالف با قانون مصوب نباشد

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید پیشنهاد های دیگر

را هم بخوانند

رئیس - پیشنهادی در اینموضوع از آقای فهیمی رسیده است قرائت میشود  
بنده پیشنهاد میکنم که ماده یازده بطریق ذیل نوشته شود

ماده ۱۱ - وصول عواید دولتی اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر طبق نظامنامه هائی که هیئت وزراء در حدود قوانین تصویب مینمایند خواهد بود  
مخبر - بنده موافقم با این پیشنهاد آقای فهیمی  
رئیس - نظر دولت هم موافق است  
وزیر عدلیه - بنده هم موافقم

رئیس - ( خطاب به آقای طهرانى ) شما هم اقتناع می شوید ؟  
طهرانى - بلی

رئیس - پیشنهادی هم از آقای زوار رسیده است قرائت میشود:  
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ بجای مصوب هیئت دولت نوشته شود کمیسیون پارلمانی قوانین مالیه  
رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم این پیشنهاد چندانی سابقه هم نیست در کمیسیون داخله راجع ببلدیه ها يك همچو نظامنامه آوردند و در آنجا تصویب شد و این پیشنهاد بنده هم از نقطه نظر اعتماد به عمل دولت است چون يك عمل مالیاتی است که وصولش يك تماسی با مردم دارد و از قضای اتفاق مأمورین سابق مالیه هم يك خاطره هائی از خودشان گذاشته اند که بعضی مردم از آنها شاکی بودند یکی از آنها خود بنده بودم که شاکی بودم و لهذا ممکن است هیئت دولت در موقعی که نظامنامه را مینویسد شاید مشغول کارهای دیگر باشند و گرفتاریشان زیاد باشد لهذا بنده مانعی نمی بینم که هیئت دولت

نظامنامه را بیاورند به کمیسیون مالیه و در آنجا آن نظامنامه را تدوین کنند  
رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده نه فقط در این مورد بلکه در کلیه نظامنامه هائی که بتصویب کمیسیون برسد مخالفم نظامنامه عبارت از دستوراتی است که برای اجرای قانون نوشته میشود مجری قانون هیئت دولت است مجلس باید قانون بنویسد بعد وزارتخانه مربوطه نظامنامه را بنویسد مجلس نظارت میکند که قانون بر خلاف منظورش اجرا نشود و مسئول اجرا دولت است. نظامنامه ها را باید دولت بنویسد زیرا مجلس و کمیسیونهائی که نظامنامه ها را تدوین میکنند اینها داخل در عمل نیستند مهارت در این کار ندارند که بتوانند نظامنامه اجرای قانون را آنجور که لازم است بنویسند مخصوصاً نظامنامه که راجع با اجرای قوانین مالیاتی و طرز وصول مالیات است وزارتخانه حق دارد هر طور که بجاست طرز اقساط طرز تعقیب قسط اول، دوم، جریمه، اخطار، هر چه هست اینها را مجلس میتواند در قوانین خودش اشاره کند ولی مسئولیت اجرا و نوشتن نظامنامه با خود دولت است و آقای زوار هم باید این نظریه را کاملاً رعایت فرمایند که دولت مسئولیت اجرا را بگردن خودش بگیرد نه اینکه بگوید بگردن مجلس افتاده است پیشنهادی که ایشان کرده اند گمان نمیکنم چندانی اثر خوبی داشته باشد

کازرونی - اصل این ماده زائد است.

آقا سید یعقوب - صحیح است.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای زوار را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
( کسی قیام نکرد )

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فیروز آبادی هم در ضمن پیشنهاد آقای فهیمی تأمین شد مقصود حاصل شده است.

فیروز آبادی - بسیار خوب

رئیس - موافقین با ماده یازده آقای آقا سید یعقوب پیشنهادی دارند

آقا سید یعقوب - بلی پیشنهاد دارم:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب  
پیشنهاد میکنم ماده یازدهم این نوع اصلاح شود:  
وصول عواید دولت بعهده وزارت مالیه است

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اصل نظر بنده این است که اگر میخواستیم پیشنهاد حذف بکنیم مقام ریاست میفرمودند که در موقع رأی معلوم میشود اصل عقیده بنده این است که این ماده هیچ محتاج الیه نیست چرا؟ بعلمت اینکه قوانینی که ما مینویسیم مجلس مینویسد و بدست دولت میدهد دولت هم بر طبق عملیات خودش نظامنامه بید بنویسد ما که نباید بنویسیم که هیئت دولت در اطاق نهار خورشید چه جور ترتیب نهار خوری بدهند یا نظامنامه برای تشکیل جلسات که چه جور تشکیل بدهند و جلسات هیئت وزراء چه جور باشد اجرائیات هم بدست خودشان است تمام کارها تقسیم شده است مجلس مقننه است دولت قوه مجریه است اینها از هم دیگر تفکیک شده است و با این تفکیک شدن نمیتوان هیئت وزراء چه مرحمتی بجا دارند که در يك جاهائی که خیلی لگد خور است میاورند بگردن ما میگذارند آن چیزها که گردن منست همایه را بگذارید برای ما باشد ما دیگر نمیخواهیم بنده چون اساساً با این ماده مخالف بودم و يك بیاناتی آقای ملک مدنی کرد که بنده حقیقه خیلی تقدیس می کنم نظر ایشان را و مستحضر شدیم مخصوصاً در دو ماه قبل به آقای وزیر عدلیه هم خبر داده که رئیس مالیه زنجان بدون اطلاع رفته است اموال مردم را توقیف کرده است جنس مردم را نبوده است جوابش از

بین رفته است خوب با این مسئله چه کار داریم ما این را بنویسیم باید بنویسیم که وصول مالیات با وزارت مالیه است، دیگر چکار داریم خودشان میدانند چه جور عمل میکنند نظامنامه هم بعهده خودشان باشد اختیارات با خودشان باشد این را بنظر بنده از حیث اینکه مخالف با اصل این ماده بوده پیشنهاد کرده و این ماده محتاج الیه نیست اگر هست بگوئید وصول بعهده مالیه است و اگر این هم محتاج نیست حذفش کنید. این بود پیشنهاد بنده

مخبر - بیاناتی که فرمودند راجع بانکه وصول عواید با وزارت مالیه باشد این عملی نیست برای اینکه سایر وزارتخانه هم ابواب جمعی دارند و تنها مأمور وزارت مالیه را نمیشود گفت مأمور وصول باشند (آقا سید یعقوب - وصول عواید با وزارت مالیه است) مأمورین ثبت اسناد یا مأمورین وزارت پست و تلگراف يك عوایدی را وصول میکنند بسهوات منتهی در این قانون ما يك پیش بینی کردیم که این عواید را جمع کنند بدهند با وزارت مالیه و دیگر در طرز وصولش وزارت مالیه هیچ مداخله ندارد ممکن است يك نظرتی داشته باشد یعنی وزارت مالیه نمیتواند بگوید چه وقت شما این سید دینار را بگیرید و این عواید را تمرکز کنید وزارت مالیه اصلاً نمیتواند دخالت کند وصول و ایصال و تمام این کارها با خود وزارتخانه است اما اینکه فرمودند که در فلانجا توقیف کرده است محصول را توقیف محصول از طرف مأمور مالیه در نتیجه امتناع یا استنکاف مؤدبان مالیاتی محصولی را باید از آن مالیات بگیرند توقیف کنند از نقطه نظر عمل خودش هیچ اشکال ندارد و باید مالیات را وصول کرد اینکه مذاکره شد راجع به موردی بود که شخص مؤدی را نباید توقیف کرد و الا ملک را که مالیات باید از آنجا گرفته شود یا محصول ملک اشکالی ندارد  
آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم

رئیس - رأی میگیریم بماده یازدهم با اصلاح پیشنهادی

آقای فهیمی که قبول شد موافقین قیام فرمایند  
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوازدهم قرائت میشود  
ماده ۱۲ - خالصه و مستغلات دولتی از پرداخت  
حق الثبت که بر طبق قانون مصوبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶  
از املاک اربابی بایستی دریافت شود معاف خواهند بود  
رئیس - آقای طاهری  
دکتر طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا بنده از آقای وزیر عدلیه  
تشکر این است که همان تزییقاتی که آنجا داریم باید  
کاملاً مواظبت کنیم هیچ استثنائی قائل نشویم و قتیله  
دولت در نظر گرفت یک مالیاتی را وصول کنند فرق  
نباید بگذارد بین اموال دولتی و سایر مردم - چرا ؟  
چون این راجع بهمان حق حاکمیت دولت است حاکمیت  
دولت این است که وضع مالیات را پیشنهاد مجلس کند  
خوب اینجا مادیرگر نباید بگوئیم مستغلات و خالصجات  
دولتی خارج از این حکم اند اگر اساساً وضع مالیات  
فلسفه دارد و مالیات حق الثبت یک فلسفه دارد و برای  
مملکت باید نسبت بخالصجات و مستغلات هم ملاحظه  
شود اگر فلسفه ندارد اصلاً وضع کردش غلط است بعد از  
آنکه ما حق الثبت را شروع دانستیم از برای املاک  
نفس املاک را مشروع دانستیم که حق الثبت برایش قرار  
بدهیم این باید در نظر قانون گذار و در نظر دولت  
فرق نکنند که مال دولت است یا مال مردم است این  
است که من مخالفم

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم اساس قضیه فرقتش چه  
خواهد بود دولت باید از یک دست بیاید و بعنوان حق  
الثبت املاک خودش یک پولی را بدهد بعد از دست دیگر  
بعنوان مأمور ثبت یک پولی را بگیرد. قضیه این است

وما از برای اینکه بیخود یک مقدار وقتی را صرف اینکار نکرده  
باشیم آمدیم و این کار را کردیم و خیلی سهل است  
و بنده یک چیز دیگری را گفته که یکی از آقایان پیشنهاد  
خواهد کرد گرچه بضرر اداره ثبت است ولی در هر حال  
لازم است و آن راجع ببلدیه هاست که املاک بلدیه ها هم  
مستثنی باشد بجهت اینکه مالیات بلدیه یک قسمش  
آنهاست که دولت کمک میکند و یک قسمت هم  
عوارضی است که از مردم میگیرند ما اگر بیائیم و  
یک حسابی را از یک دست بگیریم و بدست دیگر بدهیم  
کار بزرگی نکرده ایم بنا بر این این عنوانی که آقا  
میفرمائید چرا ؟ این جز اینکه یک مقدار دفاتر زیاد  
را برداشته باشیم و کاغذش را خراب کنیم فایده  
دیگری ندارد.

افسر - کار لغوی است

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - کافی است (گفته شد بلی) پیشنهاد آقای  
ارباب کیخسرو قرائت میشود:

مقام منبع ریاست معظم مجلس مقدس شورای ملی  
پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ این قسم اصلاح شود

ماده ۱۲ - خالصه و مستغلات دولتی و باغ و عمارت  
بهارستان محل مجلس شورای ملی از پرداخت حق الثبت  
که بر طبق قانون مصوبه ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ از املاک  
اربابی بایستی دریافت شود معاف خواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - اینجا تصور میکنم که اگر  
اسم باغ بهارستان که محل مجلس شورای ملی است  
در این ماده ذکر نشده است شاید دولت کافی دانسته  
است از ذکر همان خالصجات که اسم برده است در  
صورتیکه مجلس شورای ملی از خالصجات دولت نیست و

هستم ولی چیزی که خواستم اینجا عرض کنم آیا  
ضرورتی دارد که نوشته شود بر طبق قانون مصوب بهمنماه  
۱۳۰۶ ؟ آن قانون رفته است و نقض شده است و یک  
قوانین جدیدی آمده است. نوشته شود بر طبق قانون ثبت  
اسناد و باهمان پیشنهاد.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده خواستم همینقدر عرض کنم  
که هنوز از طرف مجلس چیزی داده نشده است.  
رئیس - آن قسمت قانون برداشته میشود.

مخبر - اجازه میفرمائید. در این قسمت پیشنهادی

که آقای ارباب کردند بعقیده بنده شامل آبی که در  
عمارت مجلس هست نمیشود و اگر میاه مجلس را  
خواستند ثبت بکنند این عبارت شامد آن نمیشود و  
خیال میکنم این عبارت را یک طوری اصلاح بکنند و  
میاه را ذکر بکنند که شامل آنها بشود.

رئیس - با اصلاحات یکمرتبه دیگر قرائت میشود.

پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ اینقسم اصلاح شود

ماده ۱۲ - خالصه و مستغلات دولتی و باغ و عمارت  
و بهارستان محل مجلس شورای ملی از پرداخت  
حق الثبت که بر طبق قانون ثبت اسناد از املاک اربابی  
بایستی دریافت شود معاف خواهند بود.

اشتیانی - مجری المیه

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی:

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۲ بطریق ذیل نوشته شود:  
ماده ۱۲ - خالصجات و مستغلات دولتی و املاک  
بلدی از پرداخت حق الثبت مقرر در قانون ثبت اسناد  
و املاک معاف خواهند بود.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - مطلب که معین است املاک بلدیه اضافه  
شده است و آن قسمت که راجع باغ بهارستان و عمارت

اختصاص دارد محل مجلس شورای ملی از طرف دیگر بهمان  
دلیلی که آقای وزیر عدلیه اینجا اظهار فرمودند هیچ  
علت ندارد که از این جیب بیرون برود و بآن جیب  
ریخته شود از اینجا گرفته میشود و بجای دیگر داده  
میشود آنجا هم فرضاً حق الثبت پرداخته شود از دولت  
گرفته میشود و بدولت پرداخته میشود ولی در اینجا فقط  
حیثیت مجلس شورای ملی محفوظ میماند و علت ندارد که  
مستغلات دولت و خالصجات دولت معاف باشد و  
اینجا برای عمارت و باغ مجلس در ردیف دیگران عمل  
شود از این جهت بنده پیشنهاد کرده که این هم  
ضمیمه شود

نمایندگان - صحیح است.

وزیر عدلیه - یک مرتبه دیگر قرائت شود

(پیشنهاد آقای ارباب مجدداً بشرح سبق قرائت شد)

رئیس - تصور میکنم به آقا محل ندادند بفهمند دو

بره بخوانید.

(یکمرتبه دیگر هم بهمان مضمون قرائت شد)

وزیر عدلیه - عرض کنم بنده سخاوت امروزه

دارد خیلی عایدات ثبت ضرر میزند ولی این از برای

حق الثبت مجلس شورای ملی نیست و خیلی عایدات

زیادی هم نیست و البته بنده موافق هستم مبلغ فوق العاده

هم نبوده است ولی این را میخواهم اینجا عرض کنم

چه در قسمت مجلس شورای ملی چه در قسمت دولت

و چه در قسمت بلدیه ها که یکی از آقایان پیشنهاد

کرده است و بنده هم موافقم آنچه تبیحال داده شده است

دیگر پس داده نمی شود این برای این است که از آن

تاریخ (ارباب کیخسرو - چیزی نداده ایم) خوب نداده ایم

که جای تأسف است ولی این را خواستم عرض کنم که

این از برای بعد از این است نه اینکه بیایند بخوانند

چیزی که در جریان ثبت است و یک قسطش داده شده

و قسط دیگرش هم باید داده شود و رفته است

جزو عایدات دیگر نمی شود پس داد اساساً بنده موافق

مجلس است اگر آب اضافه نشود آن عقیده آقای ارباب کیخسرو و آن پیشنهاد بکلی از بین میرود خوب است که این قسمت را هم اضافه کنیم به پیشنهاد بنده رئیس - ما وقتی که دانستیم که پیشنهاد اجابت شده است تلفیق و تنظیم ماده را آسان میکنیم و طوری میکنیم که عبارت های زاید نداشته باشد (صحیح است) نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر - موافقم

رئیس - نظر دولت هم مساعد است:

وزیر عدلیه - بنده هم موافق هستم

رئیس - رأی میگیریم به ماده ۱۲ با قبول پیشنهاد آقای ارباب و آقای فهیمی بوجهی که قرائت شد (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۳ قرائت میشود

ماده ۱۳ - وزارت مالیه مجاز است که در مواقع لازمه عمل مساعده دادن نقدی و جنسی را بزارعین خالصجات ادامه دهد این قبیل مساعده ها که در ظرف یکسال باید مسترد و مستهلك شوند برای بذر و خرید دواب و آلات زراعتی و توسعه امور آبیاری و فلاحتی پرداخته خواهد شد محاسبه اینگونه مساعده ها با نهایت دقت نگاهداری شده و در استرداد آن مراقبت کامل بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا آقای وزیر عدلیه هم توجه بفرمایند آقای مخبر هم توجه بفرمایند این عبارت محتاج نیست اصل خود ماده اینست که دولت همراهی داشته باشد در عمل زراعت و فلاحت نسبت باهلاک خالص

ندارد و الا بنده مخالفم و حذف این ماده را پیشنهاد میکنم.

مخبر - عرض کنم اعتراضی که آقای آقا سید یعقوب داشتند راجع به محاسبه بعقیده بنده این خیلی لازم است چون مقصود این نیست که این مساعده هائی که داده میشود سر سال پس گرفته شود خیر عملاً هم اینطور نیست باین چیزی که در قسمت اول نوشته شده است سر سال مأمورین مالیه عیناً مساعده ها را استرداد کنند و دومرتبه از نو يك عملیاتی بکنند این جز خسارت و ضرر دولت فایده ندارد ولی این عبارت که اینجا نوشته شده است که محاسبه را بدقت نگاه بدارند برای این است که این اجازه داده شود که يك قبض و اقباضاتی بکنند در موقع کار یعنی آن مساعده که اینجا نوشته شده است بدهند برای بذر و کارهای زراعتی مطابق این قانون باید سر سال استرداد کنند و اگر این عبارت نباشد باید مساعده را پس بگیرند و از نو بدهند ولی این عبارت که نوشته شده است کافی است برای اینکه این محاسبه را بدقت مأمور مالیه نگاهداری کنند. اما اینکه آقای طهرانی فرمودند راجع بدان مساعده به زارعین و اختلاف زارعین با متصدیان مالیه چه جور است اداره مالیه طهران يك اداره خرابی است بالاخره هر وقت شم توانستید اداره مالیات طهران و خالصه جنت طهران را اصلاحش بکنید اینهم درست میشود و این مربوط باین قانون نیست.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در اینجا عرضی ندارم فقط

عرضم این است اینجا که نوشته این قبیل مساعده ها که در ظرف یکسال باید مسترد و مستهلك شوند برای بذر و خرید دواب و آلات زراعتی و توسعه امور آبیاری و فلاحتی پرداخته خواهد شد. يك قسم دیگر هم هست که دادن مساعده بخود رعیت است يك وقت از اوقات میشود که خود رعایا نان ندارند بخورند باید در این

موقع يك نان خوردنی هم بآنها داده شود و در اینجا این را نمی فهماند هر چند میشود از توسعه امور آبیاری يك چیزی در آورد اما خیلی باشکال بنده میخواستم يك توضیحی در اینجا داده شود که دادن نان برعیت هم جزو این مساعده هست اگر رعیت نان نداشت دولت میتواند از بابت نان رعیت هم بدهد اینجا چون درست واضح نبود خواستم توضیح داده شود که آن قسمت را هم شامل بشود.

رئیس - آقای فهیمی موافقت؟

فهیمی - بی

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود - پیشنهاد میکنم از کتب محاسبه ای آخر حذف شود

در ماده ۱۳

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای بناسائی توجه فرمودید که اگر نظر شما این باشد که باید مأمورین مالیه سر سال این مساعده را جمع آوری نکنند این عبارت وافی بآن مقصود نیست. بنده عرض کرده که این يك تکلیفی است مثلاً فایده قانون و عمد قانون این است که محاسبین و مأمورین مالیه محاسبات را با دقت نگاهداری کنند و در موقع جمع آوری خوب جمع آوری بکنند مثلاً شما بنوکر خودتان بگوئید که دقت آن از پذیر خریدن این چه اثری در وضع قانون دارد؟ اگر آن نظر را دارید که مأمورین مالیه لازم نیست سر سال که شد آن مساعده ها را اخذ بکنند و باید مهلت بدهند این عبارت آن را نمیرساند این عبارت يك نصیحتی است و آن مقصود را هم نمیرساند و جزو قانون هم نیست و بنده از این جهت پیشنهاد کرده که این حذف شود حالا میفرمایند که مراد از این عبارت این است که اگر سر سال مأمور مالیه دید حال رعیت طوری است که نمیتواند این مساعده را بدهد این مساعده را بگیرند اولاً در اینجا

دست مامورین مالیه را باز کرده اید بیک نظریات خصوصی همینجور که می بینید و بنده نمیتوانم بگویم يك توسعه بآنها داده اید که يك نظریات خصوصی اعمال کنند. بنده عقیده ام این است که ما هم این را بنویسیم تا اینکه از این سوء استفاده نکنند حالا اگر شما موافقت نمیکنید بنده مسترد میکنم.

مخبر - همینجور که آقای ظهرانی فرمودند این عبارت در قوانین سابق هم بوده است و بهمین طور عمل میشده است و از این عبارت همین را می فهمیدند که بنده عرض کرده و از نقطه نظر رعایت حال ملائین خالصجات که در اطراف طهران هستند بهتر این است که این عبارت بحال خودش باقی باشد برای اینکه اگر استرداد بکنند و باز بخواهند بدهند هم برای دولت و هم برای رعایا ضرر دارد و از این عبارت این معنی را نمی فهمیدند و حالا هم استرداد نکنید.

آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۳ اضافه شود بعد از توسعه امور آبیاری و فلاحی و نان رعیت الی آخر.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود در اینجا که توضیح داده و تقسیم کرده در واقع مساعده را همه جور اسم برده است بجز نان دادن برعیت در غالب از نقاط در امورات فلاحی رعیت خودش نانی را که میخواهد بخورد ندارد و اینجا از این ماده معلوم نمیشود که بخود رعیت هم دولت میتواند نان بدهد بذر میخواهد میدهد مساعده بجهت کاو و آلات زراعی بخواد میدهد اما نان خودش را توضیح نداده مستدعی هستم که يك توضیحی داده شود که نان خودش را هم شامل است یا نیست.

مخبر - البته اگر يك رعیتی خیلی فقیر و گرسنه باشد از مساعده نقدی که داده میشود میتواند استفاده و امرار معاش کند تا سر خرمن از سهم زراعتش بردارند و حساب کنند و این عملی است که در املاک اربابی میشود در خالصه هم میشود ولی اینجا توضیح داده شده است که برای توسعه امور آبیاری و توسعه فلاحی و اگر بجای نان نوشته میشد و غیره بهتر بود فیروز آبادی - بنده هم قبول میکنم و غیره باشد رئیس - آقای دهستانی اینجا يك کلمه و غیره بگذاریم منظور شما هم حاصل است رأی میگیریم ماده سیزدهم با افزایش کلمه و غیره موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهاردهم قرائت میشود مخبر - ماده چهاردهم و پانزدهم باید جایش عوض شود ماده پانزدهم بیاید بالا ماده چهاردهم بشود و ماده چهاردهم برود جای آن چون يك ماده دیگری هم راجع بمعارف هست

رئیس - در همان حالی که آقا میفرمودید پیشنهاد ختم جلسه شده است از طرف جماعتی پیشنهاد آمد که جلسه ختم شود آقای روحی توضیح نان را بفرمائید

روحی - عرض کنم غالب آقایان در شبران منزل دارند باید تشریف ببرند علاوه بر این حالا وقت هم گذشته است و چند ماده هم مانده است و وقت زیاد میخواهد خوب است بماند برای جلسه بعد (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

وزیر عدلیه - این در حقیقت خواهش است که بنده میکنم آقای وزیر پست و تلگراف از صبح تا حالا که اینجا نشسته اند تمام نظرشان به این ماده است بنده نمی میکنم که این ماده را هم بگذارید که ایشان تشریف ببرند.

روحی - سابقه نبوده است که دولت باختم جلسه مخالفت بکند ولی حال بنده حرفی ندارم وزیر عدلیه - بنده هم خواهش کردم.

ماده چهاردهم - مستخدمین وزارت پست و تلگراف که از تاریخ اول فروردین ۱۳۰۹ تا مدت چهار ماه متقاعد میشوند و واجد شرایط اخذ حقوق تقاعد قانونی میباشند مطابق ترتیب ذیل از حقوق تقاعد بجای ماده ۴۵ قانون استخدام کشوری نسبت بترتیب ذیل استفاده نموده و پس از فوت وارث آنها برطبق مواد ۴۷ و ۴۹ و ۵۰ قانون استخدام استفاده خواهند نمود.

اولا - میزان حقوق تقاعدی مستخدمین جزء و مستخدمین رتب ۲ و ۳ مسوی است با يك چهارم آخرین مقرری خدمت ضرب در سنوات خدمت.

ثانیا - میزان تقاعدی مستخدمین رتب ۴ و ۵ مساویست با يك چهارم و پنجم آخرین مقرری خدمت ضرب در سنوات خدمت. ثالثا - میزان تقاعدی مستخدمین رتب ۶ و ۷ مساوی است با يك پنجاهم آخرین مقرری خدمت ضرب در سنوات خدمت. رابعا - ماده فوق شامل عده از مستخدمین وزارت پست و تلگراف خواهد بود که در مدت چهار ماه مذکور در فوق متقاعد میشوند.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده باینکه هم بد آقای وزیر پست و تلگراف ارادت دارم و هم باین اشخاصی که متقاعد میشوند لکن تصدیق میفرمائید که بنده هم باید از حقوق خودم استفاده کنم. این قانون استخدام يك بلائی شده است در حقیقت هر جائی از آن که نفع دارد آن ماده محفوظ است در هر دوره که میآید و يك ماده

که فی الجمله ضرر دارد آن ماده را لغو میکنند و زیربنا میروند در صورتیکه خود آقایان وزراء باید بدانند که این قانون استخدام کشوری که هست مجموع من حیث المجموع است موافق را وقتی که تمام را بگردید دوره چهارم مقننین زحمت کشیدند این مواد را با هم ملاحظه کردند اگر يك ماده اش ضرر داشت در يك ماده دیگر آن ضرر جبران میشد مثلاً ضرب کردن در سنوات خدمت اگر ضرب خدمات را درست بکنند آن ضرر برداشته میشود مواد قانون با هم مرتبط است و مثل يك زنجیری است که بهم مربوط است و بهم دیگر وصل میشود حالا شما يك زنجیری درست بکنید که یکیش بزرگ و یکیش کوچک باشد این زنجیر نیست این يك چیز خیلی مخلوط بهم است این يك نقطه نظر انسانی است در وضع قانون موضوع دیگر اینست که بنده آقایان عرض میکنم این صندوق تقاعد (بنده که مستخدم نیستم الحمد لله) ولی در مجلس مستخدمه خیلی است این صندوق تقاعد مال يك ضایفه مخصوص نیست صندوق تقاعد مال همه مستخدمین است مستخدمین ما وزارت عدلیه است وزارت جنگ است وزارت پست و تلگراف است وزارت داخله است هشت وزارتخانه ما داریم این هشت وزارتخانه يك صندوق دارد و این حقوق تقاعد از این صندوق برداشته میشود و داده میشود حالا نباید ما بیائیم امروز بگوئیم وزارت پست و تلگراف عوض اینک که ضرب در شصت بکنند ضرب در چهل بکنند فردا بواسطه ارادت داشتن بوزیر مالیه بگوئیم ضرب در ۳۹ بکنند به ارادت به آقای وزیر فوائد عامه بگوئیم ضرب در پنجاه بکنند این مخالفتی که بنده دارم از این نقطه نظر است والله خدا میداند بهمین مامورین وزارت پست و تلگراف کمال ارادت را دارم و سالهای سال براسی و درستی خدمت کرده اند دولت اگر بخواهد در بهره اینها انعامی اعطا کند نباید از حقوق صندوق تقاعدی که مال همه وزارت خاها است اختصاص بآنها بدهد. بنده موافق هستم (با اینکه همیشه در تمام لواحق خرج

مخالفت می‌کردم) در اینجا موافق هستیم که با هزار سلام و صلوات رأی بدهیم يك ماده علیحده بین معنی که دولت يك اعتباری ده بیست هزار تومان بگذرانند برای این مستخدمین تا اینکه يك صندوق تقاعدی که شاید بیست و دو هزار مستخدم که ما داریم و حقوق اینها در این صندوق است آنوقت ما بیائیم رأی بدهیم در حق کسی آقای فیروز آبادی چه حق داریم رأی بدهیم؟ حقوق تقاعد مال مستخدمین است عموماً. مجلس چطور میتواند رأی بدهد در حقوقی که مال مردم است نسبت بعضی تفاوت باشد مالیات عمومی هم که نیست که ما ببخشیم حقوق شخصی مستخدمین است که بیست و دو هزار تا الی پنجاه هزار نفر هستند این است عقیده بنده حالا هر کس که میخواهد به من بی جهت يك بی مرتحتی بکند بکند این نظر بنده است

وزیر عدلیه -- بیانات نم‌بنده محترم يك قسمتش راجع

باساس قانون استخدام اینکه در هر دوره و در ضمن هر قانون بودجه يك اطمه به هیكل مقدس این قانون استخدام میخورد و یکی دیگر هم راجع بصندوق تقاعد و اینکه آیا ما حق داریم بیائیم این را بدیگران ببخشیم یا نه. اما راجع بقانون استخدام بنده متأسفانه خیال میکنم که يك دوسه تا لطمه بزرگتر از این نیش سنجاقی هائی باین قانون زده است قانون استخدام يك موادی دارد که صحیح است ولی بالاخره آمده است در يك وقتی يك حقوقاتی يك ترتیباتی ثابت کرده است گفته است هر کس در سر کار بوده است يك رتبه هائی برای آنها ثابت کرده است بدون رعایت مدت خدمت و این سابقه و این رتبه را میشناسم و متأسفانه کسانی هم هستند که بیست سال سی سال است خدمت کرده‌اند و بدرد خدمت امروز هم نمیخورند ما چه باید بکنیم؟ گیر میکنیم چه بکنیم؟ نگاه بداریم در سر کار حقوق بدهیم که هم پون داده شده است و هم کار انپیش نرفته است و از طرف دیگر بیائیم يك اشخاصی را منتظر

خدمت بکنیم حقوق انتظار خدمت هم کافی نیست بهشان هیچ چیز ندهیم بگوئیم درست است که شما بیست سال سی سال خدمت کرده اید ولی چون امروز بدرد کاره، نمیخورید حالا بروید بپیرید؟ این آن چیزی است که از این قانون استخدام بر می آید و تصدیق میفرمائید که این خوب ترتیبی نیست و بالاخره تصدیق میفرمائید که باید يك فکری کرد که چرخهای دولت با چرخهایی که بدرد روز و بدرد کار روزش میخورد بچرخد ابداً اینجا سوء تفاهم نشود ابداً سوء تغییر نشود بنده نمیخواهم بگویم کسی که سی سال داخل خدمت بوده آدمی است که امروز بدرد کار نمیخورد ای بسا کسانی که سالها در کار دولت بوده‌اند و آن سوابق طولانی شان يك چیزهای محل قبول است که باید امروز دولت ازش استفاده میکند و باید استفاده بکند یعنی تجربیاتشان در کارهای دولت ولی از آنطرف هم تصدیق میفرمائید يك عده در این ادوار اخیر آمده‌اند و صرف قانون استخدام از برای آنها يك وضعیتی ایجاد کرده است که اگر آن وضعیت نبود ما از دستشان میتوانستیم خلاص بشویم (صحیح است) حالا پس اول این را میخواهم عرض کنم که ما باید يك راه حلی از برای این طبقه از مستخدمین که هم خودشان در زحمت هستند چونکه اگر در سر کار هستند همه متزلزل هستند بواسطه عدم لیاقتشان و اگر هم منتظر خدمتند اغلب بدون حقوق انتظار خدمتند چون حقوق انتظار خدمت اعتبار کافی ندارد برای اینکه امسال از بودجه اش يك مبلغ زیادی کاسته شده بود قبلاً مذاکره شد و گفت من میتوانم این کار را بکنیم میتوانیم بیائیم و در عوض يك اشخاصی که سر کار هستند و ما نمیتوانیم ازشان استفاده کنیم و ما ناچار بهلوی دستشان يك عده را بگذاریم کار را آنها بکنند اسمش را هم آنها داشته باشند ولیکن انصاف بدهید آیا میشود يك اشخاصی که چندین سال خدمت کرده‌اند با حقوق مختصری (چون حقوق وزارت پست و تلگراف

همیشه خیلی کم بوده است) ما آنها را خارج کنیم! بنده نمی گویم نظر بنده هم روی این کاغذی است که در دست بنده است چون خیلی وقت تنگ است و آقای روحی هم خیلی اوقاتشان تلخ است و بشمیران باید بروند و لیکن بنده نگاه میکنم می بینم این جا پنجاه نفر پنجاه و يك نفر که متقاعد شده‌اند و مشمول این مواد میشوند کسانی هستند که ۶۷، ۶۸، ۶۶، ۶۶، ۶۵، ۶۵ سال دارند و جوانترین آنها پنجاه و هفت سال دارد اینکه از حیث سن حالا از حیث مدت خدمت که شما ملاحظه می کنید: ۴۹ سال - ۵۰ سال - ۴۵ سال - ۴۵ سال - ۴۴ سال می آید آنوقت باشخاصی که ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ سال و آن کسی که بنده این جا می بینم مدت خدمتش کمتر از همد است ۲۷ سال خدمت دارد خوب این اشخاص اگر خاطرتان باشد و اگر آقایان توجه داشته باشند می دانند از مستخدمینی هستند که در يك وزارتخانه که خیلی حقوقشان کم است (وزارت پست و تلگراف از آن وزارتخانه‌های خیلی قدیم است ب حقوق خیلی کم) ب حقوق دو تومان و سه تومان آنوقت بیائید ملاحظه کنید این بیچاره‌ها با همه این مساعدتی که آقایان درباره‌شان می فرمایند که بیائید حقوقشان چیست؟ این است که وزارت پست و تلگراف آمد و گفت که با این ۵۷ نفر را من باید نگهدارم و اینقدر کسر بودجه که میخواهد برای من میسر نیست یا باید اینها را بگذاریم کنار و بعد از چندین سال خدمت بيك حقوقی زندگی کنند که در واقع بخور و نمیر هم نیست پس يك راه حلی از برای من پیدا کنید یعنی در عوض اینکه شما بیائید درباره کلیه مستخدمین دولت یعنی بیچاره دولت يك فکری بکنید بمن اجازه بدهید که عجله اینهایی که می گوئید امسال صد هزار تومان فالانقدر ازت کسر می کنیم این اجازه را بمن بدهید که این ترتیب بکنم در قانون استخدام و اساس این اشخاص. اما راجع بصندوق تقاعد. این صندوق هم وضعیت خاصی دارند میشود گفت که این صندوق مال اشخاص است برای

اینکه نمی توانید بگوئید آن چیزی که آنها داده‌اند بیایند پس بگیرند. نه میشود گفت که مال دولت است و هرکاری که میخواهد بکنند. این يك صندوقی است که باید بيك مصرف معینی برسد و دولت هم مکلف است که اگر يك روزی که بیاید از صندوق تقاعد از بودجه خودش باید بدهد. پس اگر بنا باشد بکلی مال خودش باشد یعنی کسر و خوردی باشد بمستخدمین می گفتم که هرچه پس انداز کرده اید بخودتان داده میشود و اگر يك روزی صندوق تقاعد دارای پولی نبود بشما تقاعد داده نمیشود آنوقت اظهارات حضرتعالی کاملاً صحیح و بجا بود ولی اینطور نیست آقای دولت هم از بودجه خودش میدهد و اگر يك سال صندوق تقاعد روی عمل عدلی قانون کسر آورد چه خواهد کرد؟ آه بمستخدمین می گوئید که چون حقوق مال خودتان است امسال تومن شمار کمتر بگیرید؛ البته این حرف را نمی توانید بزنید و تمیزید و نخواهید زد پس باید دولت کسری را از بودجه خودش بدهد. این استدلال از برای این است که خاطر اعضاء دولت یعنی مستخدمین دولت نگران نباشد و خاطر جمع باشند که صندوق تقاعد اینطور هم در خطر نیست و هیچوقت هم کسر نخواهد شد و بی اعتبار نمیشود آنها هم عرض کرده که اگر فرض کنید يك روزی کسر بیاید (کسر نمیشود) آنها هم باز دولت باید بیاید و در بودجه اش پیش بینی کند و بدهد. عده از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است

دکتر عظیمی -- بنده مخالف هستم آقای

رئیس -- پیشنهاد آقای فرهنگ قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فرهنگ:

دوسطر از اول ماده پانزده را بترتیب ذیل اصلاح و پیشنهاد می نمایم مستخدمین وزارت پست و تلگراف که از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۰۹ تا مدت ۶ ماه تقاضای تقاعد می نمایند وزارت خانه با واجد بودن

شرایط اخذ حقوق تقاعد قانونی آنها حکمی صادر مینماید الخ

فرهمنند -- عرض کنم که مقصود بنده از این پیشنهاد این بود که اگر این قانون در اول فروردین ماه گذشته بود دیگر لازم نبود که این مدت دو ماه را زیاد کنیم ولی الان سه ماه است گذشته است و یکماه بیشتر باقی نمانده است و جریان و تشریفات گذراندن احکام و مصوبات اشخاصی که متقاعد میشوند خیلی زیاد است و باین مدت خیلی کمی هم نمیشود این بود که بنده دو ماه اضافه کردم اینجا مینویسد مدت ۴ ماه متقاعد میشوند و قتیکه مینویسد متقاعد میشوند بایستی تمام آن مراحل را طی بکنند باز ممکن است که اگر اینطور باشد هیچیک از آن آقایان استفاده از این قانون نکنند اینست که بنده نوشتم بعد از آنکه خودشان تقاضا کردند وزارتخانه قبول کرد از همان روز متقاعد میشوند و بعد وزارتخانه تشریفاتش را بعمل می آورد

مخبر -- چون تأثیر فوق العاده مهمی ندارد و مانعی هم ندارد بنده قبول میکنم

وزیر پست و تلگراف -- بنده هم قبول میکنم

رئیس -- رأی میگیریم بماده ۱۴ یعنی ۱۵ و فعلاً ۱۴ پیشنهاد دیگر آقای فرهمنند

در تبصره ماده ۱۵ اصلاح کلمه چهار ماه را به ششماه پیشنهاد مینمایم

مخبر -- فرهمنند چون شش ماه در ماده قبول شده است بایستی در این تبصره هم اصلاح شود

مخبر -- اجازه میفرمائید یکمرتبه دیگر قرائت شود (مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مخبر -- چون پیشنهاد اول را قبول کرده ام این را هم قبول میکنم

بعضی از نمایندگان -- رأی رأی

دکتر عظیمی -- خبر بنده پیشنهاد دارم

رئیس -- (پس از قدری تأمل) آقای دکتر پیشنهادتان چه شد؟

دکتر عظیمی -- يك طوري است که باید اصلاح کنیم و بکنجانب توی ماده فوری که نمیشود رئیس -- رأی میگیریم

وزیر عدلیه -- اجازه میفرمائید آقای دکتر يك تذکری دادند بنده از ایشان خواهش کردم که پیشنهاد بدهند. ایشان فرمودند اشخاصی که پنجاه سال سابقه خدمت دارند این از حقوقش هم بین ترتیب که نوشته شده زیادتیر خواهد شد آقا گفتند اینجا بیفزائیم بشرط اینکه از حقوقی که میگرفته اند تجاوز نکنند

اعتبار -- چرا؟ وزیر عدلیه -- برای اینکه ممکن است اگر اینطور

حساب کنیم از حقوقش هم تجاوز کند ولو اینکه در هیچ مورد هم نباشد. این حرفی است اساسی.

بعضی از نمایندگان -- رأی رأی

رئیس -- مابك حالت منتظره داریم (پس از قدری تأمل) پیشنهاد آقای دکتر عظیمی:

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۱۴ قبل از اول نوشته شود مشروط بر اینکه از حقوق فعلی تجاوز نکند (صحیح است)

وزیر عدلیه -- در ماده ۱۵ است

رئیس -- ماده چهارده است آقای دکتر توضیح هم می خواهید بدهید؟

دکتر عظیمی -- بلي عرض کنم کسانی که شصت سال دارند يك توضیحی بنده میدهم که همه آقایان درست دقت کنند کسی که شصت تومان حقوق دارد اگر متقاعد شود آنطور که در قانون استخدام هست در ۶۰ سال میشود شصت تومان باندازه حقوقش و هیچوقت به شصت سال

نمیرسد این آدم چرا؟ برای اینکه از ۱۸ ساله محسوب می شود و هیچ مستخدمی بیش از ۵۲ سال نمی تواند خدمت داشته باشد پس اگر خواستند ضرب در شصت يك بکنیم این ۵۲ سال میشود ۵۲ تومان و از حقوقی که میگیرد کمتر میشود هشت تومان از حقوقی که می گرفته است کمتر میشود ولی در ۴ اگر ضرب کنیم حساب کردیم پنجاه سالی که آقای وزیر عدلیه فرمودند ده تومان بیشتر از اصل حقوقش میشود يك کسی که چهل سال است مستخدمه است میگیرد چهل تومان حالا وقتی که مستخدمه نیست و بیائیم ده تومان باو اضافه بدهیم؛ کسانی که الان خدمت می کنند بیست سال خدمت می کنند از این بعد و حقوق تقاعد میدهند شصت يك آن کسی که هفت سال کشور تقاعد داده حالا بیاید از صندوق تقاعد بگیرد ده تومان یا بیست تومان بیش از آنچه که تا بحال می گرفته است اینکه معنی ندارد آقا (صحیح است)

رئیس -- نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر -- موافقم منتهی در عبارتش جائی که قید کرده است بنظر بنده قدری مورد ندارد برای اینکه پس از فوت وراث آنها باید که از آن حقوق تقاعد استفاده نمایند و این عبارت در این جائی که قید کرده اند اینطور میرساند که راجع است بوراث آنها در صورتیکه مربوط بخودشان است و با ترتیبی که مربوط بشود بماده پیشنهاد آقا را بنده قبول دارم

ضیاء -- وسط ماده بنویسید.

دکتر عظیمی -- گفتیم عجله نکنید تا صحیح بنویسیم

رئیس -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۴ نوشته شود: بشرطی که زیادتیر از دو نلث حقوق زمان خدمت او نشود.

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- اولاً بنده يك نظری دارم که بدون خدمت هیچکس هیچ حقوقی ندارد این يك نظر کلی است حالا میفرمائید که يك خدمتاتی در سنوات قبل کرده است خوب يك حقوقی هم گرفته است و حالا باید متمم آن حقوق را باو داد بنده نظرم باین است که هر کس بداند که بجهت بعد از خودش يك ذخیره هم دارد و امروز نگویید که اگر فرد من مردم دولت بوارث من حقوق میدهد و اگر من پیر شده دولت بمن حقوق تقاعد میدهد پس من خوب خرج کنم مردم را باید باین چیزها عادت داد بنده تقبیل ام این است که چون در اینجا در ترتیبات ضرب و ضمه مطلب درست دقت نشده بود و مطلب درست معنوی نبود و بآن نظر که آقای دکتر فرمودند ممکن است بر بخوریم بنده پیشنهاد کرده این اضافه حقوق داده شود باو بشرطی که زیادتیر از دو نلث حقوق زمان خدمتش نشود و آنهم کافی است وقتی که خدمت میکرده است شصت تومان میگرفته است حالا که خدمت نمیکند چهل تومان میگیرد و این هم کم نیست و ظلم و تعدی هم در برده او نشده است

مخبر -- بنده تصور میکنم که آقای فیروز آبادی يك پیشنهادی فرمودند که دولت (وزارت مالیه) مقید باشد در پرداخت تقاعد وبدون جهت وزارت مالیه حواله ندهد چنانچه خود بنده هم شنیدم چندین مرتبه هم اعتراض کرده ام آقایان هم هنوز جواب نداده اند من یکمرتبه شنیده چهارده هزار تومان بيك نفر حقوق تقاعد داده اند و هر چه هم گفتیم آقایان توجه نکردند و هر چه هم بقوانین اشاره کردم آقایان توجه نکردند و قاعده بنده تقبیلیم حالا این جا بنده استفاده میکنم از مدقع و به آقای وزیر عدلیه که رئیس هیئت تقنینیه و مذاکرات هستند عرض میکنم باید این قسمت را دقت بکنند و تحقیق بفرمایند کسانی که از صندوق تقاعد حقوق میگیرند اینها را تعقیب کنند و به بینند که اینها کی هستند بالاخره يك کسی که زمان استبداد رفته است و مردم را چپیده



است و يك حقوقهائی هم گرفته است حالا دیگر چرا از این جا بگیرد . اما راجع به این پیشنهادی که فرمودید دو نك پیشنهاد آقای دکتر البته يك منطقی داشت که بگوئیم حقوق تفاعدی از اصل حقوق نباید تجاوز کند و خوب است شما هم با این پیشنهاد موافقت فرمائید و همانطوری که ماده تنظیم شده است بهتر است .

فیروز آبادی - بنده مسترد میکنم

رئیس - رأی میگیریم به ماده چهاردهم با افزایش دو پیشنهاد آقای فرمند در خود ماده و تبصره و افزایش پیشنهاد آقای دکتر عظیمی با تامین نظر مخبر که عاید همه بشود . موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای مخبر راجع به آب پیشنهادی فرموده بودید؟

مخبر - بلی بلی عرض میشود بنده خودم متذکر شدم پیشنهادی که آقای ارباب فرمودند در عبارتی که پیشنهاد

کرده بودند کلمه آب بود در صورتیکه مقصود مجری المیاء بود چون آب که قابل ثبت نیست و مقصود مجلس هم که رأی داده مجری المیاء بود

ارباب کیخسرو - بنده هم متذکر شدم آقای آشتیانی هم همانموقع تذکر دادند و بمقام ریاست هم نوشتم و فرستادم که اصلاح شود .

رئیس - این اصلاح البته میبایستی بشود و غرض تذکر بود که مجلس سابقه داشته باشد بعضی از نمایندگان - صحیح است

[ ۶ - - موقع دستور جلسه بعد - - ختم جلسه ]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه آتیه پنجشنبه

۲۹ خرداد باشد دستور هم بقیه دستور امروز

(مجلس پنجاه دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر